

## مظالم انگلیس در بین النهرین

○ تصحیح، اضافات و مقدمه: یحیی آریا بخشایش

۹

مقدمه:

ادعای قیمومیت انگلستان بر بین النهرین (عراق) پس از پایان جنگ جهانی اول، واکنشهای گوناگونی در کشورهای متعدد جهان، بویژه کشورهای خاورمیانه، ایجاد کرد که بیشترین و مؤثرترین آن - چنان که انتظار می‌رفت - در کشور ایران به وجود آمد؛ گذشته از اعتراضها و سخن رانیها، تظاهرات و نفی و تکذیب هرگونه ادعای قیمومیت بر عراق، کتابچه‌ای به نام **مظالم انگلیس در بین النهرین** در چاپخانه مجلس شورای ملی چاپ و منتشر شد که شرح اوضاع داخلی عراق و چگونگی مقابله با ادعای دولت انگلیس را در بر می‌گرفت. از آنجا که انتشار این کتابچه، مذاکراتی را در مجلس در پی داشت که بیان کننده سمت و سو و نوع نگاه ایرانیان در برابر این پدیده قرن حاضر است، لازم می‌نماید به چگونگی تصویب، چاپ و نشر آن در مجلس شورای ملی بپردازیم.

در جلسه بعد از ظهر روز پنجشنبه، ۲۷ جدی (دی) ۳۰/۱۳۰۱ جمادی‌الاول ۱۳۴۱، در چهارمین دوره مجلس شورای ملی، میرزا محمدخان دانش بزرگ نیا، نماینده نیشابور، از میرزا احمدخان قوام السلطنه (قوام)، رئیس‌الوزراء وقت، خواستار پاسخ به دو سؤال او شد؛ سؤال نخست وی درباره کنفرانس لوزان و چگونگی عضویت ایران در آن بود که قوام السلطنه دلایل عدم عضویت دولت ایران را در آن برشمرد و بسیاری از مسائل و موضوعات مطرح شده در

## مصلحت‌محال‌ات تاریخی

کنفرانس لوزان را بی‌ارتباط با دولت ایران دانست. سؤال دوم دانش، که گفتگو درباره آن در جلسات بعدی نیز ادامه یافت، درباره مسائل بین‌النهرین و ادعای قیمومیت انگلستان بر این ناحیه (عراق) بود. او به قوام السلطنه گفت: «این دو روزه شایع شده دولت ایران قیمومیت انگلیس را بر بین‌النهرین تصدیق کرده، اگر چه این مسئله صحت داشت می‌بایستی به مجلس بیاید. در هر صورت بنده از نقطه نظر علاقه سیاسی دولت ایران، میل دارم بدانم از طرف دولت ایران چنین مسئله [ای] تصدیق شده است یا نه؟ استدعا دارم اگر غیر از این است تکذیب فرمایید.»

قوام السلطنه در پاسخ، با اشاره به اینکه ادعای انگلستان مربوط به تصمیم دولتهای درگیر در جنگ جهانی اول بوده، ادعای دولت انگلیس را بی‌ارتباط با دولت ایران دانست، اما تصریح کرد که «باید حکومت و استقلال بین‌النهرین موافق میل کامل و آمال اهالی بین‌النهرین باشد.» سپس افزود: «برای اطلاع عرض می‌کنم دولت ایران به هیچ وجه حکومت جدید بین‌النهرین را به رسمیت نشناخته است.»

قوام السلطنه، که این سخنان را به عنوان یک مقام ارشد و رسمی دولت ایران بیان می‌کرد، مورد تحسین نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گرفت و دانش نیز برای تأکید بیشتر بر سخنان او، پیشنهاد کرد که این تکذیبیه از سوی دولت ایران در جراید و مطبوعات کشور منتشر گردد. اما نظر جمعی از نمایندگان غیر از آن بود: «آقا در مجلس علنی رسماً این مسئله تکذیب شد. جرائد هم خودشان خواهند نوشت.»

پس از دانش، سیدحسن مدرس در ادامه همان جلسه به مسئله بین‌النهرین پرداخت و از اوضاع داخلی آنجا سخن گفت. وی با اشاره به «یک اطلاعات و نوشتجات، و بلکه یک احکامی از حجج اسلام عتبات عالیات راجع به وضعیات بین‌النهرین» تاریخچه مختصری از نزدیکی فرهنگ، دین و سرزمین ایران و بین‌النهرین - که عراق نامیده می‌شد - بیان کرد. سپس به قراردادی که در عراق میان دولت انگلیس و ملک فیصل، پادشاه جدید عراق، امضا شده بود اشاره کرد و پس از شرح اوضاع داخلی عراق گفت: «بنده با این ترتیبی که نسبت به دخالت انگلیس در بین‌النهرین عرض کردم، در این مجلس که مرکز مسلمانان است و می‌توانم بگویم توجه اکثر مسلمانان دنیا به ایران است اظهار تنفر از این فشار و ناملایماتی [می‌کنم] که از طرف انگلیسیها به اهالی بین‌النهرین وارد می‌آید.»

بعد از مدرس، سلیمان میرزا اسکندری، نماینده مردم تهران، سخن رانی کرد و تاریخچه‌ای از روابط موجود میان ایرانیان و مردم عراق را بیان کرد؛ او ضمن اشاره به آثار پادشاهان قدیم ایران در بین‌النهرین و انتخاب برخی از شهرهای آن سرزمین به عنوان پایتخت ایران، عراق را بخشی از ایران دانست و متذکر شد که بعد از اسلام، عراق به عنوان مرکز مذهبی ایرانیان مورد

توجه قرار گرفت و به علت وجود اماکن مشرفه در آن سامان، همه ساله ایرانیان بی‌شماری به عراق سفر می‌کنند، یا همه ایرانیان آرزوی زیارت آن اماکن را در سردارند. از این رو از دیگر نمایندگان و حاضران در جلسه پرسید: «چطور ممکن است تصور کرد یک نفر ایرانی مسلمان، خواه از نظر [ایرانی بودن] و خواه از نظر مذهب بتواند یک لحظه از فکر عراق عرب خارج شود و خدای ناکرده در قلبش تصور کند که این سرنوشت عراق عرب و صدماتی که به اهالی آن صفحه وارد می‌آید، غیر از صدماتی است که به ما وارد می‌شود. تمام در این زحمت و محنت شریک و سهیم هستیم و صدماتی است که بر ما [نیز] وارد می‌آید.»

سلیمان میرزا در سخن رانی خود به همان اسناد و مدارکی اشاره کرد که پیش از او مدرس به عنوان «احکام حجج اسلام عتبات عالیات» از آنها یاد کرده بود. وی این اسناد را در دست داشت و هنگام سخن رانی، به نمایندگان نشان می‌داد: «تلگرافاتی که علما و اهالی آنجا [بین‌النهرین] بر علیه این معاهده [معاهده انگلیس و ملک فیصل] کرده‌اند تماماً سوادش اینجا موجود است و اگر آقایان میل داشته باشند ممکن است مفصلاً دیده شود.»

اسناد مورد اشاره سلیمان میرزا، مکاتبات و اعتراضاتی بود که علما، سران عشایر و طوایف و بزرگان عراق درباره معاهده امضاء شده با انگلیسیها صادر کرده بودند و طی آنها با ادعای انگلستان مبنی بر قیمومیت بر بین‌النهرین به مخالفت برخاسته بودند: «اوامری که آقایان علما بر علیه انتخابات صادره فرموده‌اند عکسش اینجا موجود است. باز شرح قضیه وقایع و اعتصابات و زد و خوردهایی که ملیون عراق عرب فرمودند در اینجا موجود است... اوراقی که تمام رؤسا و مشایخ عراق عرب بر عدم رضایت نوشته‌اند که هر کس رؤساء عراق عرب را بشناسد می‌داند، یکی یکی اینجا موجود است.»

هم زمان با ارائه این اسناد و اوراق، گروهی از نمایندگان اظهار کردند: «خوب است [این اسناد] طبع و توزیع شود.»

سلیمان میرزا در سخنان خود ارزش اسناد مورد اشاره اش را تا بدان حد دانست که گفت: «اگر امروز بخواهیم در عراق عرب رفراندوم [برگزار] کنیم و عقیده عمومی اهالی عراق عرب را بخواهیم [بدانیم] همین اسنادی است که در اینجا [موجود] است.»

هدف از ارسال این اسناد و مدارک به مجلس ایران، مهم‌ترین نکته‌ای بود که سلیمان میرزا در پایان سخنان خود بدان اشاره کرد و برای روشن ساختن اذهان عمومی جامعه ایران گفت: «چون برای آنها [مردم عراق] محل و ملجائی نبود که مطالب خود را بگویند به ایران فرستادند. امروز بهترین روزی است که مطالب برادران مذهبی عراق عرب را به تمام عالم برسانیم... بنابراین به نام عالم اسلامیت و ایرانیت و شرافت عراق عرب همان طور که آقای مدرس فرمودند، از تمام این مظالم

اظهار تنفر می‌کنیم و یک صدا [به] برادران عرب خودمان می‌گوییم اگر چه از شما مسافتها دور هستیم ولی روحاً و جسماً، ظاهراً و باطناً با شما همراه و هم صدا هستیم و منافع شما منافع ما است و با هم برادریم و در تمام مصائب و صدمات با شما شریکیم و به قدری که از دستمان برآید و مطابق ترتیبات معموله مملکتی باشد، البته بدون استثنا به شما کمک می‌کنیم و از تجاوزاتی که به شما می‌شود اظهار تنفر می‌کنیم.»

شیخ اسدالله محلاتی، نماینده کمره و محلات در مجلس، نیز پس از سلیمان میرزا، سخنان کوتاهی ایراد کرد. او اظهار تنفر از این حادثه را در مجلس شورای ملی کافی ندانست و از مجلس خواست که به «دولت اخطار کند» که به «به سایر دول پرتست و تقاضا کند که اسباب آسایش اهالی بین‌النهرین را فراهم [آورده] و رفع فشار از مسلمانان آنجا شود.» در پایان هم پیشنهاد کرد که از سوی مجلس شرحی به دولت نوشته شود تا به تمام دولتها متحدالمالی (اعلامیه) بدهد و بویژه از دولت انگلستان بخواهد آسایش را در بین‌النهرین برقرار کند و مردم آنجا را به حال خود واگذارد.

بحث و مذاکره درباره وقایع بین‌النهرین و اسناد مربوط به آن سرزمین در جلسه روز شنبه ۲۹ دی ۱۳۰۱ نیز ادامه یافت و سلیمان میرزا با یادآوری مذاکرات جلسه گذشته گفت که «اگر مجلس در نظر دارد اسناد و مدارک مربوط به بین‌النهرین طبع و توزیع گردد بهتر است رأی‌گیری شود.» بحث در این باره با نظر میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک (پیرنیا)، رئیس وقت مجلس، به جلسه بعد از تنفس موکول شد تا نمایندگان فرصت تصمیم‌گیری درست و قطعی را دارا باشند. با شروع جلسه پس از پایان تنفس، شیخ اسدالله سخنان سلیمان میرزا را یادآور شد و گفت: «بنده پیشنهاد می‌کنم اسناد راجع به عراق عرب که خدمت حضرت والا سلیمان میرزا است به خرج مجلس طبع و بین نمایندگان توزیع شود.» سخن او زمینه را برای مباحث تازه و طولانی فراهم کرد و بحث درباره چگونگی طبع و توزیع اسناد یاد شده به درازا کشید و پیشنهادهای متعددی ارائه شد. اما سلیمان میرزا که در جلسه پیشین این اسناد را در اختیار داشت، آنها را به صاحب خود برگردانده بود و می‌گفت که اگر لازم باشد، تا دو سه روز آینده می‌تواند دوباره آنها را به امانت بگیرد. همو به همراه میرزا محسن معتمدالتجار، نماینده تبریز، پیشنهاد کرد که هزینه طبع و توزیع اسناد را مجلس به عهده بگیرد. منتها پیش از هر کاری لازم است که ارباب کیخسرو شاهرخ، مباشر (کارپرداز) مجلس، هزینه و مخارج آن را برآورد کند.

ارباب کیخسرو نیز خواستار توضیح بیشتر در این باره شد و تقاضا کرد که نمایندگان مشخص کنند آیا هزینه طبع و توزیع باید از محل اعتبارات مجلس پرداخت شود یا نه؟ همچنین شمارگان چاپ را معلوم کرده، معین نمایند که این اسناد «چقدر طبع شود».

سرانجام میرزاهاشم آشتیانی و سید محمد تدین به همراه چند تن دیگر از نمایندگان پیشنهاد کردند که از میان اعضای شعبه‌ها، یک کمیسیون چهار یا شش نفری تشکیل شود تا با دقت بیشتری این لوایح و اسناد را بررسی و بر کیفیت و کمیّت طبع و توزیع آن در مجلس نظارت کنند. کم کم میان نمایندگان اختلاف پدید آمد؛ از جمله درباره بودجه اعتباری و شمارگان چاپ، که سلیمان میرزا وظیفه تعیین و تشخیص آن را با هیئت رئیسه و اداره مباشرت مجلس می‌دانست. اما تدین معتقد بود که نمایندگان بودجه آن را باید از جیب خود بردارند. او در بخشی از سخنان خود گفت: «عقیده‌ام است که [بودجه این کار] نباید به ملت تحمیل شود و باید خود نمایندگان بودجه‌اش را از حقوق خودشان بدهند و با اینکه بودجه به مجلس پیشنهاد شود، مخالفم.» چون مخالفتها بیشتر شد، ارباب کیخسرو پادرمیانی کرده و برای پایان دادن به اختلافات، از نمایندگان خواست در این باره بحث و مذاکره کنند و تصمیم قطعی و نهایی بگیرند.

اما تدین همچنان بر نظر خود پای می‌فشرد که چون اکثر نمایندگان متمکن هستند و می‌توانند بودجه طبع و توزیع اسناد را به عهده بگیرند، نباید این هزینه به ملت و مجلس تحمیل شود. از این رو پیشگام شد و مخارج طبع پانصد جلد از اسناد را تقبل کرد. به دنبال آن، سلیمان میرزا هم متقاعد شد و در تأیید سخنان تدین، هدف نهایی خویش را چاپ این اسناد برشمرد. سرانجام پیشنهادی از جانب تدین به شرح زیر قرائت شد و نمایندگان با اکثریت آرا بدان رأی مثبت دادند. «یک کمیسیون شش نفری در شعب انتخاب شده و در خصوص طبع و مقدار مطبوع و سایر ترتیبات تصمیم قاطعی اتخاذ [کرده]، به موقع اجرا گذارند.»<sup>۱</sup>

از زمان و چگونگی تشکیل و کار کمیسیون شش نفره، اطلاع درستی در دست نیست و به روشنی نمی‌دانیم که آیا این کمیسیون تشکیل شد یا نه. و اگر تشکیل شد، چه کسانی در آن عضویت داشتند و مذاکرات آنان چه بوده است. اما از سخنان حاجی میرزا عبدالوهاب رضوی، نماینده همدان، در جلسه روز ۲۳ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ برمی‌آید<sup>۲</sup> که این کمیسیون تا آن روز تشکیل نشده، از سوی هیئت رئیسه، یا نمایندگان هم اقدامی در این مورد نشده است.

صاحب واقعی این اسناد هم هرگز شناخته نشد و حتی نام وی بر بیشتر نمایندگان حاضر در جلسات آن روز مجلس شورای ملی ناشناخته ماند و در طول مذاکرات، نه مدرس و نه سلیمان میرزا از وی نامی به میان نیاورده هویتش را فاش نساختند. البته آقا سیدفاضل کاشانی از میرزا محمدرضا آیت‌الله زاده، فرزند آیت‌الله محمدتقی شیرازی، به عنوان فردی نام می‌برد که این اسناد را در اختیار سلیمان میرزا اسکندری گذاشته بود تا در مجلس طرح و در صورت تصویب چاپ و منتشر گردد. اما سلیمان میرزا که اصرار داشت نام صاحب اسناد و اوراق فاش نشود به

صراحت گفت: «بنده از آقای آفاسید فاضل تعجب می کنم که بی جهت اسم اشخاص را می آورند. این اوراق را آقای آقامیرزا محمدرضا آیت الله زاده به من نداده اند. به علاوه ما چکار به اشخاص داریم. این اوراقی است راجع به یک قسمت از ممالک اسلامی که این طور دچار فشار هستند و چون عقاید همه ما این است که این عملیات منتشر شود.»

نام چنین شخصی در دیگر منابع نیز موجود نیست و نمی توان دارنده آنها را معرفی کرد. اما با توجه به دلایلی می توان گفت که دارنده واقعی اسناد و اوراق مربوط به بین النهرین، شیخ محمد خالصی زاده، فرزند آیت الله محمد مهدی خالصی بوده است چرا که: ۱- در پای تعدادی از احکام و اوراق مورد مذاکره، که به صورت کتابچه با عنوان مظالم انگلیس در بین النهرین چاپ شد، نام محمد مهدی کاظمی خالصی، مشهور به شیخ مهدی خالصی دیده می شود که آنها را امضا کرده است. از این رو گمان می رود که گردآورنده و تنظیم کننده این اوراق، شیخ محمد خالصی زاده، فرزند وی بوده، به احتمال، همو نیز در اختیار سلیمان میرزا قرار داده است. ۲- عبدالهادی حائری، نوه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، که در نگارش کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق از کتابچه مظالم انگلیس در بین النهرین بهره برده است، آن را به شیخ محمد خالصی زاده منتسب دانسته<sup>۳</sup> که با توجه به دقت و تتبع نویسنده کتاب تشیع و مشروطیت، چنین گمان می رود که تدوین کننده کتابچه، خالصی زاده بوده باشد. ۳- پس از تعطیلی روزنامه لواء بین النهرین، روزنامه اتحاد اسلام، به مدیریت و نویسندگی شیخ حسین لنکرانی (۱۲۷۴ - ۱۳۶۸ ش) جای آن را گرفت که همانند لواء بین النهرین بیشتر سخن رانیها و نوشته های شیخ محمد خالصی زاده را چاپ و منتشر می کرده است، به عبارتی ناشر افکار و ایده های خالصی زاده بوده است. در یکی از شماره های این نشریه که از شوال ۱۳۴۲/ خرداد ۱۳۰۳ تا ذی حجه / تیر همان سال، سیزده شماره بیشتر چاپ نشد،<sup>۴</sup> کتابچه مظالم انگلیس در بین النهرین به صورت ضمیمه چاپ گردید که در واقع چاپ چهارم آن به شمار می آید. از این رو می توان گفت نسخه اصلی و اولیه این اسناد در اختیار و از آن خالصی زاده بوده است.

شیخ محمد خالصی زاده (۱۳۰۸ - ۱۳۸۳ ق)، فرزند آیت الله شیخ محمد مهدی خالصی در کاظمین به دنیا آمد و نزد پدر و عمویش درس آموخت. مدتی هم از محضر آیات عظام شیخ مهدی رایانی، شیخ محمد حسین کاظمی، آخوند خراسانی و مجدد شیرازی استفاده کرد. در انقلاب ۱۹۲۰م عراق وارد فعالیتهای سیاسی شد و با سیاست انگلیسیها در عراق به مخالفت برخاست و به همراه پدر، که او نیز از رهبران و پیشگامان انقلاب بود، به حجاز تبعید گردید. مدتی بعد به ایران آمد و در انتشار روزنامه های لواء بین النهرین و اتحاد اسلام، که بیشتر

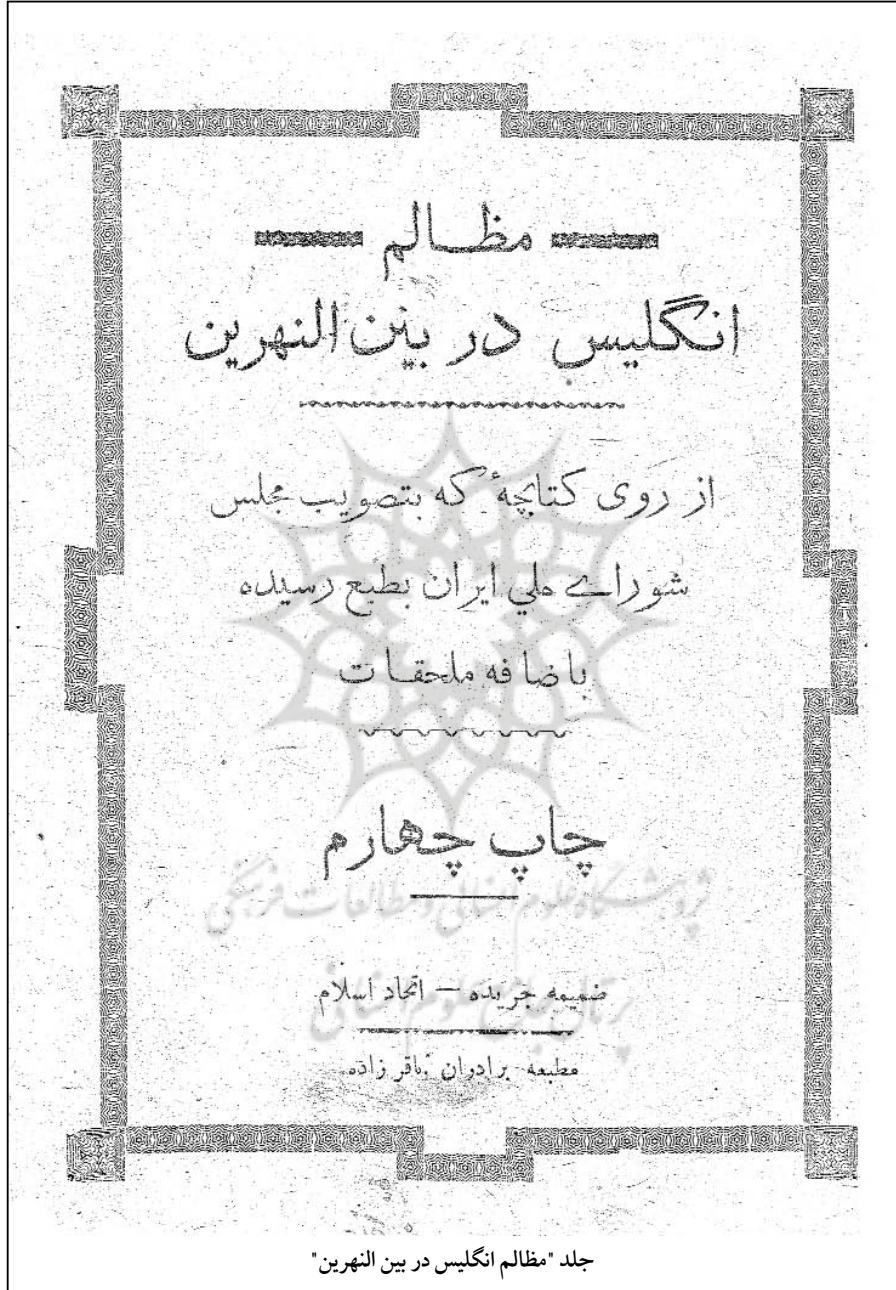
دربارهٔ اوضاع عراق مطلب می‌نوشت، همکاری کرد. چندی بعد که سر و صدای جمهوری خواهی برخاست با آن مخالفت کرد و با رضاخان در افتاد. از جمله در جریان تعطیلی اجباری بازار تهران (۲۹ حوت / اسفند ۱۳۰۲)، که نیروهای نظامی و پلیس در مسجد شاه را بسته بودند، وسط بازار، سر چهارسوق، عبای خود را روی زمین انداخت و نماز جماعت برپا کرد. پس از ادای نماز، علیه جمهوری خواهی رضاخانی و رئیس مجلس، تدین، سخن رانی کرد و از مجلس خواست در برابر رژیم جمهوری ایستادگی کنند.

به هر روی، کتابچه مظالم انگلستان در بین‌النهرین نخستین بار در خرداد ۱۳۰۲ منتشر شد که شامل موارد زیر است: تاریخچه مختصری از مستعمره بودن بین‌النهرین (عراق)؛ شرح کوتاهی از اوضاع داخلی عراق؛ احکام آیات عظام دربارهٔ مظالم انگلستان در بین‌النهرین؛ سواد قرارداد امضا شده میان ملک فیصل و نماینده دولت انگلیس؛ تلگرافهایی که از سوی جمعیت بین‌النهرین با نمایندگی آیت‌الله شیخ مهدی خالصی به دول مختلف جهان ارسال شده؛ و یکی - دو سر مقاله مختصر که در برخی از جراید ایران به چاپ رسیده بود.

در میان نویسندگان نیز نخستین بار محمدتقی ملک الشعراي بهار، نماینده مجلس چهارم، در مقاله «فاجعه بین‌النهرین» که در روزنامهٔ نوبهار به تاریخ ۱۸ سرطان / تیر ۱۳۰۲ منتشر کرد، از آن نام برد و خوانندگان را برای اطلاع از جزئیات اوضاع عراق به آن کتابچه راهنمایی نمود. در مطالعات و پژوهشهای بعدی نیز این کتابچه مورد استفاده و استناد پژوهشگران و نویسندگان قرار گرفت و بسیاری از متأخرین از آن سود جستند.

همچنین بر اساس توضیح کوتاهی که در ادامهٔ چاپ اتحاد اسلام از کتابچهٔ مزبور موجود است می‌دانیم که پیش‌تر، آن کتابچه، چهار نوبت به چاپ رسیده است؛ دو نوبت اول در چاپخانه مجلس شورای ملی؛ نوبت سوم به صورت آزاد؛ و نوبت چهارم نیز توسط روزنامه اتحاد اسلام، در چاپخانهٔ برادران باقرزاده، در تهران چاپ و منتشر گردید. البته همان توضیح کوتاه به چاپ دیگری هم اشاره می‌کند که به صورت ضمیمهٔ (پاورقی) روزنامه اتحاد اسلام، پیش از چاپ چهارم منتشر شده که با توجه بدان، چاپ چهارم از کتابچهٔ مظالم انگلیس در بین‌النهرین را باید به عنوان چاپ پنجم آن دانست.







مظالم انگلیس در بین النهرین

(ضمیمه جریده اتحاد اسلام)

مظالم

انگلیس در بین النهرین

(قیمت . پس از خواندن به دیگری دادن)

مطبعه برادران باقرزاده - تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله المنتقم

از اول بخوانید

مظالم انگلیس

در جلسه رسمی دارالشورای ملی ایران، به تاریخ پنجشنبه ۲۷ جدی ۱۳۰۱ مطابق سلخ جمادی الاولی ۱۳۴۱ در مقابل سؤالی که از دولت راجع به شایعه تصدیق قیومیت انگلستان بر بین النهرین شد، از طرف رئیس الوزراء جواب ذیل ایراد گردید.

«در موضوع قیومیت دولت انگلیس بر بین النهرین، آقایان باید بدانند که این مسائل هیچ مربوط به دولت ایران نبوده است. بعد از اینکه دول فاتح اراضی دول مغلوب را بین خود تقسیم کردند، یک تصمیمی بین خود اتخاذ نمودند. من جمله اینکه دولت انگلیس در بین النهرین قیومیت داشته باشد و این مسئله به هیچ وجه مربوط به دولت ایران نبوده است بلکه نماینده دولت ایران در مجمع اتفاق ملل به موجب دستوری که از دولت متبوعه خودش داشته است اظهار کرده است که باید حکومت و استقلال بین النهرین موافق میل کامل و آمال اهالی خود بین النهرین باشد و برای اطلاع عرض می کنم دولت ایران به هیچ وجه حکومت جدید بین النهرین را به رسمیت نشناخته است (انتهی).»<sup>۵</sup>

این تکذیب مورد تحسین نمایندگان واقع شده و سپس از طرف آقایان وکلای اقلیت و اکثریت نطقهای مفصلی که مُشعر بود بر علاقه مندی تمام ایران به عراق عرب و اعتراض به مجازات ظالمانه انگلستان در بین النهرین و اظهار تنفر و تبری از مظالم بریتانیا نسبت به عالم اسلامی مخصوصاً در عراق عرب، ایراد گشته و اوراق و اسناد مربوطه به بین النهرین ارائه و مطرح شد و تصویب گردید که اوراق مذکوره [از نقطه نظر مساعدت با اهالی بین النهرین که خودشان نمی توانند عرایضشان را به مسامع مسلمین عالم برسانند] از طرف مجلس طبع و توزیع شود تا اظهارات و عقاید و تظلمات اهالی بین النهرین را به سمع اهل عالم رسانده و دنیا را از جریانات آنجا مطلع سازند. جلسه با موافقت تامه آقایان و کلا بدون هیچ گونه اختلافی خاتمه یافت.

مذاکرات جلسه مذکوره و اوراق و اسناد سابق الذکر تا به حال دو مرتبه از طرف پارلمان در مطبوعه مخصوصه به مجلس طبع و نشر یافته و از آنجایی که قضیه، فوق العاده مهم و ملت ایران کاملاً در مقررات بین النهرین شریک و این اوراق و اسناد مربوطه به آنجا (که احساسات برادران بین النهرینی در مقابل تجاوزات انگلیس و عقاید و نظریات آقایان مراجع تقلید شیعه

را نسبت به انگلستان ظالم و رویه [ای] را که علمای اسلام مقیم عتبات عالیات برای دفاع از یک مملکت اسلامی اتخاذ فرموده اند در کمال وضوح مجسم می‌سازد) از روی همان مجله منطبعه در مجلس عیناً طبع و توزیع می‌شود تا هم وظیفه برادری خود را نسبت به سکنه بین‌النهرین انجام داده و هم فرزندان ایران از مطالب مهمه و نکات دقیقه آن مطلع گشته و بدانند که مجاهدات آنها برای نجات ایران از چنگال متمدنین (!) لندن و مقاومتهایی که در مقابل سیاست ظالمانه انگلیس کرده و می‌کند علاوه بر اینکه از نقطه نظر وطنی شایان تقدیر و تمجید است، از نقطه نظر دینی هم ممدوح و بلکه واجب و ترک آن حرام است و وظیفه دینی خود را هم در مورد طرفداران و کارکنان انگلیس که بزرگ‌ترین دشمن اسلام است، بدانند. در خاتمه به آقایان و خوانندگان تذکر داده می‌شود که سایرین را از مطالب سودمند و مندرجات مفیده آن بهره‌مند ساخته و مخصوصاً آقایان علما و مقدسین دور از محیط سیاست را از مضامین آن مطلع سازند تا متوجه شوند که اسلام وظایف دیگری هم برای آنها معین فرموده است :

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در این موقع که توجهات اسلام پرستانه نمایندگان محترم مجلس مقدس شورای ملی به مسئله مهمه بین‌النهرین معطوف بوده و در مقام دادرسی و اغاثة یک مشیت ملت اسلامی که زیر پنجه غاصبانه انگلیس محو می‌شوند، اظهار احساسات کامله و بذل عواطف دینیه فرموده‌اند و بیانات وافیه که در آن مقام رسمی اظهار شده، باعث امیدواری و نهایت استظهار ملت مظلومه بین‌النهرین گردیده و جالب توجهات عموم مسلمانان شده، لزوماً تشکرات صمیمانه و امتنان قلبی خالصانه خودمان را تقدیم آن مقام منبع نموده و موفقیت آن ذوات محترم را در احیای شعایر حریت و آزادی اسلام از درگاه حضرت احدیت [مستلت] می‌نماید و ضمناً یک قسمت از اوراق و اسناد راجع به مسئله بین‌النهرین را که بر حسب تصویب مجلس مقدس قرار بر طبع آنها بود، ارسال گردید.

زیاده ایام عواطف و توجهات اسلام پرستانه مستدام باد.

(مهر تهران نمایندگان عالی بین‌النهرین)<sup>۶</sup>

عتبات

از طرف کمیته عالی مرکزی نمایندگان عراق در ایران  
به حجج اسلام و حُماة شریعت سیدالانام دامت برکاتهم

پس از تقدیم مراسم سلام و تحیت، خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که به مقتضای وظایف دینی که خداوند به وسیله پیغمبر و اولیای خود امر فرموده، در مقام مدافعه از عراق برآمده مقاصد و آرزوهای ملت عراق را به تمام عالم ابلاغ و از کلیه آزادیخواهان در رسیدن به حقوق مشروع خود استعانت جستیم. امید است که با این مجاهدات و مساعی به مقصود فائق آییم و در نتیجه از وظایف و تکالیف حتمیه [ناخوانا] خود را [ناخوانا] ساخته و برای مطالب و مقاصدی که عراقیون ما را مأمور انتخاب [آن] کرده اند سعی و جدیت خود را مبذول داشته‌ایم و در اثنایی که به ادای وظایف دینی و وطنی خودمان مشغول بودیم با منتهای علاقه مندی و صمیمیت به عراق نظر کرده، اموری که موجب مسرت یا اندوه آنها می‌شد، در ما هم همین احساسات و عواطف را تولید می‌کرد و آنچه بیشتر جلب نظر ما را کرده بود، سکوت شما در قبال این حوادث مولمه<sup>۷</sup> بود. مخصوصاً با تکالیف مهمه که در محافظت دین و وطن دارید؛ ولی پس از اندک مدتی [از] فتاوایی که در خصوص تحریم انتخابات و تشویق عراقیون به مطالبه حقوقشان صادر فرموده بودید، اطلاع حاصل کرده و ملتفت شدیم که سکوت شما برای تهیه مقدمات، یافتن فرصت بوده است که بتوانیم تیر خود را به هدف مقصود نشانه نرسد [برسانیم]. این فتاوی نشاط و مسرت فوق العاده در سر ما ایجاد کرده و متوجه شدیم که عملیات ما در خارج مقرون به اقدامات خیلی مهم تری در داخل عراق است و با توأم شدن این مساعی مقصود حاصل شده، به آرزوی خود نائل خواهیم گردید و ما عین فتاوای شریفه را به مراجع لازمه ممالک مخابره کردیم و عملیات خود را تا موقعی که به مقاصد خود که زندگانی و حیاطمان متوقف بر آن است، نایل شویم [نشویم]، ادامه خواهیم داد و مسلّم است با اینکه شما محل رجوع تمام مسلمین و پناهگاه آنها هستید، مافوق این مراتب بذل مساعی خواهید فرمود. و چون در بین این حوادث و وقایع ثابت شد که بدون رضایت اهالی، قوای قهریه برای استیلائی انگلیس بر عراق کافی نخواهد بود؛ زیرا در مقابل، قوایی موجود است که بتواند دفاع و جلوگیری نماید. علی‌هذا باید عراقیین همان رویه سابق را تعقیب کرده تنفر خود را در مقابل استیلائی انگلیس اظهار و میل خود را به استقلال تام ابراز نمایند.

در خاتمه برای اطاعت هرگونه اوامر عالییه حاضر بوده و استدعا می‌نماییم که از ارجاع اوامر عالییه خود دریغ نفرمایند.

[مهر نمایندگان عالی بین‌النهرین]

فهرست مجمل  
حوادث جاریه بین‌النهرین  
از ابتدای احتلال<sup>۸</sup> تا امروز

در تعقیب معاهدات و مواعیدی که انگلیسها راجع به استقلال و تمامیت عرب مقرر داشتند، قدم به خاک عرب گذاشتند و ذیلاً به ذکر بعضی از آن عهود و مواعید اشاره می‌شود:

۱- قرارداد سنه ۱۹۱۵ [۱۳۳۳ق] با شریف<sup>۹</sup> مکه که صورت آن را امیر فیصل در سنه ۱۹۲۰ [۱۲۹۹ش] در جراید سوریه انتشار داد و در تعقیب آن نهضت اعراب در ۱۹۱۵ اتفاق افتاد: بریتانیا متعهد می‌شود که با تشکیل حکومت عربی که دارای استقلال تام داخلی و خارجی باشد مساعدت به عمل آورده و حدود آن را به شرح ذیل تصدیق کند: از سمت مشرق بحر فارس، از سمت مغرب بحر احمر و حدود مصر و بحر ابیض، از طرف شمال حدود شمالی ولایات حلب و موصل تا ملتقای فرات و دجله و مصب آنها در خلیج فارس، ولی مستعمره عدن از این حدود خارج است.<sup>۱۰</sup>

۲- مراسله «ماکماهون» به شریف مکه، مورخه ۲۴ اکتوبر [اکتبر] ۱۹۱۵ مبنی بر اینکه دولت انگلیس مصمم است، استقلال تام عرب را با همان حدودی که در تعهدنامه قبل ذکر شد تصدیق نماید.

۳- تعهدنامه ماکماهون نماینده انگلیس (معروف به قرارداد انگلیس و سوریه ۱۹۱۶) مشتمل بر تصدیق و اعتراف استقلال عرب.

۴- اظهار صریح «لورد هاردینگ» حاکم هند و سفیر کنونی انگلیس در پاریس در موقع ورود به بصره سنه ۱۹۱۵ [با اعلام] اینکه تنها نقطه نظر انگلیس از جنگ در عراق، استقرار آزادی و استقلال تام عراق است.

۵- ابلاغیه [ای] که «ژنرال مود»<sup>۱۱</sup> سردار انگلیس در عراق روز دویم [دوم] ورود خود به بغداد سنه ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ش) انتشار داد و تمام اهالی در خاطر خود ضبط نمودند و مضمون آن اینکه:

«آنچه ما را محرک به شرکت در محاربات عراق شد، استخلاص این مملکت از تعدیات اتراک<sup>۱۲</sup> است و در حقیقت قشون کشیها در خاک شما برای برقراری آزادی است نه به قصد مملکت ستانی الخ.»

۶- ابلاغیه [ای] است که نمایندگان فرانسه و انگلیس در سوریه و عراق به تاریخ ۱۱ نوامبر به مضمون ذیل انتشار دادند:

«آنچه فرانسه و انگلیس را در ممالک مشرق وادار به جنگ کرد، مساعدت در آزادی مللی

است که سالهای متمادی در فشار مظالم اتراک بوده‌اند و [هدف] تأسیس حکومت‌های محلی است که بر وفق آرزو و آمال اهالی برقرار شود و غرض دولتین فرانسه و انگلیس این نیست که نفوذ خودشان را در این مناطق مستقر دارند بلکه مقصود آنها ایجاد حکومت ملی عربی با رضایت و میل اهالی است الخ.»

در ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۶ انگلیسها اعلان انتخاب را به مضمون ذیل صادر کردند :

«دولت انگلیس و فرانسه فقط به قصد آزادی ملل ضعیفه و تشکیل حکومت‌هایی موافق میل و اراده آنها بدون مداخله اجانب در محاربات مشرق زمین ، شرکت جستند. و اینک به عموم اهالی عراق اعلان می شود که موقع آن رسیده است که در عراق حکومت مستقله تشکیل یابد و اهالی با اطمینان به اینکه از طرف حکومت اختلال معارضه در شکل حکومت و شخص سلطان با آنها نخواهد شد هر کس را برای سلطنت عراق مناسب می دانند انتخاب نمایند ولی باید به این نکته متوجه باشند که انتخاب پادشاه ترک یا حکومت ترک ، ممنوع است.»

از یک طرف انگلیسها این اعلان را انتشار داده و از طرف دیگر به پول و تهدید سعی کردند که اهالی عراق را وادار به انتخاب سرپرستی کوکس<sup>۱۳</sup> که در آن موقع سفیر انگلیس در تهران بود بنمایند ولی اهالی با منتهای شدت مخالفت خود را در مقابل این تحمیل ابراز و فتوای ذیل را از مرحوم آیت الله شیرازی صادر کردند.

«لیس لاحد من المسلمین ان ینتخب أو یختار الامارة أو السلطنة علی المسلمین غیر المسلم .

الأحقر محمد تقی الحائری شیرازی

یعنی هیچ یک از مسلمین نباید غیر از مسلم [را] جهت امارت یا هر نوع تسلط بر مسلمین انتخاب یا اختیار کند.

الأحقر محمد تقی الحائری شیرازی»<sup>۱۴</sup>

و در تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۶ اجتماع مفصلی از اهالی بغداد منعقد شده و یادداشتی به مضمون ذیل نوشتند :

«چون دولت بریتانیای عظمی ، آزادی انتخابات را اعلان داده است ، ما امضاکنندگان ذیل این ورقه ، تقاضا می کنیم که حکومت مشروطه قانونی دموکراسی ، به ریاست یکی از اولاد سلطان حجاز برای ما انتخاب شود.»

برای رسانیدن این مکتوب یک نفر سنی و یک نفر شیعه از طرف جمعیت معین شد چون مکتوب را به ویلسون<sup>۱۵</sup> نایب الحکومه دادند ، سؤال کرده بود که بین سنی و شیعه مناقشه اتفاق نیفتاد؟ جواب دادند : خیر. مجدداً استفسار نموده بود : یهودیها چه کردند؟ گفتند : ساکت ماندند. ویلسون از شنیدن این جواب فوق العاده متغیر شد و گویا مقدماتی برای تولید اختلاف



تهیه کرده بود ولی اثری نبخشید.

در تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۶ جمعیتی با حضور علما و کلنل بالفور رئیس قشون بغداد و کاپیتن رید حاکم کاظمیه [کاظمین] در کاظمیه تشکیل شده و پس از مجادلات و مذاکرات زیاد بین علما و بالفور یادداشتی مثل سابق به حکومت تقدیم داشتند.

و نیز در اواخر جمادی الثانیه، اجتماعی در نجف با حضور عموم، بین علما و رؤسای قبایل و ماژورنوربریس<sup>۱۶</sup> و ماژور بولی<sup>۱۷</sup> منعقد شده مذاکرات بین آنها و رؤسای قبایل به طول انجامید در نتیجه یادداشتی مثل سابق به حکومت در بغداد فرستاده شد.

اجتماعات متوالیاً در سایر بلاد عراق هم تشکیل شده و پی در پی مکاتیب اعتراض آمیز برای انگلیسها می فرستادند ولی بلا جواب می ماند تا آنکه در شب ۱۲ رمضان ۱۳۳۸ عده کثیری در بغداد اجتماع کرده و در مطالبه حقوق خود شروع به خشونت کردند. این اقدامات منجر به این شد که حکومت انگلیس به طور مسلح با اهالی مقابله کرده، در شوارع و مراکز بغداد، اتومبیلهای زره پوش کشیدند ولی موفق به تفرقه اجتماعات نشدند.

در تعقیب این وقایع، اجتماعات بزرگ تری تشکیل شده و اهالی، چهارده نفر را برای مطالبه حقوق خود نزد ویلسون گسیل داشتند و در ۱۸ رمضان، موفق به ملاقات او شدند. ویلسون هم چهارده نفر را به تصور اینکه با نمایندگان ملت معارضه خواهند کرد انتخاب نمود؛ ولی هر دو دسته با یکدیگر متحد شده، ویلسون را تنها گذاردند؛ لذا مناقشه و مجادله ادامه یافت. دکاکین بسته شد و مردم در اطراف دارالحکومه جمع شدند و مکتوبی مهمور به امهار عموم به مضمون ذیل به ویلسون دادند:

«دولت انگلیس به اعراب عموماً و عراقیین خصوصاً وعده داد که در امور مملکت آنها مداخله نکرده و در اختیار شکلی حکومت، آنها را آزاد خواهد گذارد و عجلاله هیچ مانعی برای تشکیل حکومت عراق نیست؛ لہذا عموم اهالی مایل اند که به مقتضای عہود و مواعید سابقہ حکومت عراق به وفق میل و اراده ملت تشکیل شده و قشون انگلیس خارج گردد.»

چون این مکتوب را ویلسون قرائت نمود، ورقه [ای] به امضای خودش صادر کرد و حسین افغان، نوه عباس افندی، را به قرائت آن فرمان داد و مضمون آن این است:

«جنگ عمومی خاتمه یافت و خیال انگلیس از هر جهت فارغ شد. اکنون دارای قشون عظمی است که برخلاف شایعات بعضی با نهایت سهولت می تواند تصمیمات خود را به موقع اجرا گذارد. علی ای حال فعلاً دولت انگلیس عطف توجهی به مطالب اهالی عراق نخواهد نمود و فقط پس از ورود سرپرسی کوکس در پاییز ممکن است به مطالب آنها توجهی شود.»

چون فرستادگان ملت جواب را غیر مطابق با سؤال یافتند و ملاحظه کردند که در قبال ملایمت

در مطالبه حقوق با جبر و تهدید با آنها معارضه می‌شود، اجتماعات را ادامه داده، یادداشتهای سخت تری به انگلیسها تقدیم نمودند و علامت مخصوصی را شعار خود قرار داده، در مطالبه حقوق خود ابرام ورزیدند.

انگلیسها متوسل تولید نفاق بین سنی و شیعه شدند ولی موفق نگشتند و بر مراتب صمیمیت بین این دو دسته افزوده شد. سپس یهودیها را بر ضد مسلمین تحریک کردند؛ ولی مسلمین به قدری درباره آنها مهربانی کردند که با طیب خاطر اموال گزافی در مسائل عراق به مصرف رساندند. انگلیسها باز هم دست از دسایس خود برنداشته عیسویها را از مسلمانان به ترس و وحشت انداخته به حدی که آنها را از اقامه جشن در یکی از اعیادشان مانع شدند. مسلمین هم در مقابل به عیسویها تقرب جستند و با آنها در جشن عید شرکت نمودند. پس از اینکه انگلیسها با کمال جدیتی که مبذول می‌داشتند از تولید نفاق بین اهالی مایوس شدند، مرحوم آیه‌الله شیرازی حکم ذیل را افشا فرمودند:

«به عموم اهالی عراق، پس از اطلاع به اینکه شما برای مطالبه حقوق مشروع خودتان قیام کرده‌اید، توفیق شما را از خداوند مسئلت نموده، لازم دانستم شما را مسبوق کنم به اینکه رضا و خشنودی خداوند توأم با اقدامات شماسست و علما عموماً پشتیبان و تکیه‌گاه شما هستند؛ ولی مخصوصاً به شما توصیه می‌کنیم با انگلیسها مماشات نموده، قبل از آنکه آنها مصمم به جنگ شوند شما اقدام به محاربه نکنید. اما اهل ذمه از یهود و نصارا در انتفاعات از این مملکت با شما شریک‌اند؛ لهذا از توقیر و احترام و حفظ اموال و اعراض<sup>۱۸</sup> آنها مضایقه نکنید. مراعات این اصول فرض ذمه عموم مسلمین و اخلال در آن شرعاً حرام است.

الاحقر محمدتقی حائری شیرازی»

حکم مذکور در موقعی که جمعیت کثیری در صحن کاظمیه حضور داشتند، در شب ۲۵ رمضان ۱۳۳۸ قرائت و در تمام اقطار و نواحی عراق منتشر گردید و بالنتیجه عموم ملل و قبایل عراق در تشکیل اجتماعات و تقدیم یادداشتهای به انگلیس متحد شدند و در کلیه شهرها مردم اجتماع کرده، نمایندگان برای مطالبه حقوق خود از انگلیس معین کردند و چون انگلیسها در امتناع از قبول درخواستهای عراقیین اصرار داشتند و ممکن بود آتش انقلاب مشتعل شود، مرحوم آیت‌الله شیرازی برای حفظ مسالمت و امنیت حکم ذیل را صادر فرمود:

«نهضت و قیام شما از واجبات دین و تخلف از آن بر هر مسلمانی حرام است؛ ولی لازم است که حتی الامکان در مطالبه حقوق، مراعات صلح و مسالمت را بنمایید. امید است که خداوند جزای خیر به شما عنایت فرموده و در رسیدن به مقاصدتان شما را تقویت کند.

الاحقر محمدتقی حائری شیرازی»

این حکم در عرض دو سه روز قریب ده هزار نسخه نوشته شد، در تمام اطراف عراق منتشر گردید ولی این انگلیسها از طبع آن مانع شدند. انگلیسها نهایت جدیت را به عمل آوردند شاید بتوانند از هیجان اهالی برای مطالبه حقوقشان جلوگیری کنند ولی چون مفید فایده نشد، متوسل به اعمال قوه جبریه گشته، شروع به توقیف نمایندگان [شهرهای] حله و دیوانیه و بعضی از رؤسای قبایل نموده، آنها را به جزیره هنگام<sup>۱۹</sup> تبعید کردند و عده [ای] را هم در عراق حبس نمودند و در غره [اول] شوال ۱۳۳۸ عده سوار و توپ و اتومبیل زره پوش و طیاره به کربلا سوق داده و در شب دوم ماه، اعلان ذیل را انتشار دادند:

«به عموم اهالی اعلان می‌شود که غرض از ورود قشون در آنجا حفظ عامه اهالی از تعدیات و دسایس اشرا است.»

مرحوم آیت‌الله شیرازی روز سیم ماه تلگراف ذیل را به رئیس کل قشون انگلیس مخابره فرمود:

«توقیف حاکم حله و شش نفر از مردمان بی‌گناه را که قصدی جز خدمت به هم‌وطنان خود نداشته‌اند طبعاً به صلح و مسالمتی که به مردم توصیه کرده‌ایم لطمه وارد آورده، اساس امنیت را متزلزل می‌سازد.»

الاحقر محمدتقی الحائری شیرازی»

اداره تلگراف خانه از مخابره این تلگراف امتناع ورزیده، لهذا با قاصد مخصوص به بغداد فرستاده شد. نظامیان انگلیس در شوارع کربلا توپهای متعدد نصب کرده، راهها را برای عبور و مرور اتومبیل زره پوش خود مسطح نمودند و در روز پنجم ماه، حاکم حله عریضه ذیل را حضور مرحوم آیت‌الله شیرازی معروض داشت:

«حضرت علامه متعهد اکبر آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی دام‌علاه

بعد از تقدیم مراسم سلام و تحیت به عرض عالی می‌رسانم که عده [ای] از قوای ما برای حفظ امنیت در این حدود وارد شده است برای جلوگیری از عده [ای] اشرا که قصد افساد و غارت اموال و ایجاد وحشت در قلوب عامه دارند و ابداً قوای ما متعرض صلحا و مردم بی‌گناه نخواهد شد. استدعاءً آنکه این مسئله را به اطلاع برسانید تا رفع اضطراب خاطر آنها بشود. در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم می‌نمایم.

حاکم ولایات حله - پولی»

مرحوم آیت الله جواب ذیل را مرقوم فرمودند :

«به حاکم ولایت حله - ماژور پولی هداه الله؛ مراسله شما را قرائت [کردم] و از مضمون آن بی نهایت متعجب شدم. برای اینکه ورود قشون در مقابل اشخاصی که حقوق مشروع خود را - که لازم و ملزوم زندگانی آنهاست - مطالبه می کند از امور غیرعقلانه و به هیچ وجه مطابق با اصول عدالت و منطق نیست و احتمال می رود عده [ای] که قصد استفاده از ایجاد اختلال بین اهالی عراق و انگلیس را دارند، شما را فریب داده اند، در این ضمن به مقاصد خود نائل شوند. شب گذشته هم برای اینکه این اشتباه را از خاطر شما مرتفع سازم، ملاقات شما را خواستار شدم ولی امتناع کردید؛ در صورتی که نباید از این نکته غفلت کنید که اعمال نظریات ما در امور مملکت از سوی قشون و اعمال قوه جبریه اصلح و انفع است. عجلتاً نیز مجدداً برای اینکه مطالب و مستدعیات به شما ابلاغ کرده و شما را از توسل به قوه [ای] که مخالف با عدالت و اداره مملکت است باز داشته باشم، شما را برای ملاقات دعوت می کنم. اگر این دفعه هم از آمدن امتناع کنید، توصیه خود را در خصوص مراعات مسالمت از ذمه آنها ملغی نموده شما و ملت را به حال خود می گذارم و در این صورت، مسئولیت هر نتیجه سوئی بر عهده شما و همراهاتان خواهد بود. در خاتمه امید دارم که این نصایح در شما مؤثر شده و موجب تزلزل نظم و امنیت و ریختن خون اشخاص بی گناه نشوید.

۲۶

محمد تقی حائری الشیرازی  
این مکتوب هم مؤثر واقع نگردید. ماژور پولی حاضر ملاقات برای آیت الله شیرازی نشد و اقدام بر توقیف حجة الاسلام آقای میرزا محمدرضا فرزند آیت الله شیرازی و بسیاری از علما و رؤسای دیگر نمود و آنها را به جزیره هنگام تبعید کرد.  
انگلیسها قوای خود را برای مقابله و محاربه قبایل در تمام نقاط عرب مهیا کردند. مردم در این خصوص از آیت الله شیرازی استفتا کردند و ایشان شرح ذیل را فتوا دادند :  
«و بر عموم اهالی عراق مطالبه حقوقشان لازم است و ضمناً باید مراعات صلح و امنیت را هم بنمایند؛ ولی اگر انگلیسها از قبول مطالب آنها امتناع کنند، برای دفاع حقوق خود باید متوسل به جنگ شوند.

الاحقر محمدتقی الحائری الشیرازی  
انگلیسها عملیات خود را ادامه داده، در بغداد مردم را به کمترین تهمت و سوءظنی به قتل می رساندند و به قشون خود فرمان دادند که هر کس را با علامت وطنی ملاقات کنند بدون تأمل به قتل برسانند و عده [ای] قشون هم برای گرفتاری بعضی شیوخ و رؤسا فرستادند. قبایل هم در مقابل آنها مقاومت کرده آتش انقلاب مشتعل شد.

مردم از آیت الله شیرازی استفتا کردند و شرح سؤال به قرار ذیل است :

«سؤال : چه می فرمایند مولانا آیت الله ارواحنا فداه در خصوص دفاع از حرم [حرم] اسلام و آیا جایز است در این موقع پدر ، اولاد خود را از محاربه منع کند یا اولاد در این باب از پدر اطاعت نماید و آیا زنها هم حق شرکت در محاربه دارند یا خیر؟ فتوای خودتان را در این باب بیان فرمایید.

جواب : بر عموم مسلمانان دفاع و محاربه در مقابل انگلیسها در عراق واجب است و هیچ پدری محق نیست که اولاد خود را از شرکت در جنگ ممانعت کند و اولاد هم اگر در این خصوص از پدران خود اطاعت نمایند مرتکب فعل حرامی شده اند. اشخاصی که قادر به حمل اسلحه نیستند باید قواعد جنگ را به سایرین تعلیم کنند و در نقل آذوقه و لوازم جنگی با هم و طنان خود مساعدت به عمل آورند. زنها هم به شستن لباس و اشتغال به طبخ و رفع سایر احتیاجات باید با مجاهدین همراهی کنند.

الاحقر محمدتقی الحائری الشیرازی

به این ترتیب قریب هفت ماه آتش جدال مشتعل بود و بالغ بر بیست هزار نفر از مسلمین به شهادت رسیدند و در این بین به عنوان دادخواهی و استعانت و اطلاع عموم از مظالم انگلیس ، مکاتیب زیادی از طرف اهالی به نقاط مختلفه فرستاده شد. از جمله مکتوب ذیل است که از طرف رؤسای قبایل به دربارهای عموم دول نوشته شد :

«ما ملت عراق قبل از جنگ بین الملل منتظر فرصت بودیم که از طریق صلح و احتجاجات ادبیه<sup>۲۰</sup> به حکومت ملیه و استقلال تام خود برسیم تا اینکه قشون دولت بریتانیا ، عراق را احتلال نمود. ما با کمال مودت و اطمینان قلب ، امید نجات مقاصد خودمان را از آنها داشتیم . چنان که فرمانده های قشون آنها مکرر این معنی را اعلان نمودند و چون جنگ بین المللی خاتمه یافت و دول معظمه مقاصد و نیات خودشان را در اصلاح حال بشریت و جبر نقائص انسانیت و تمهید صلح عمومی از روی آزادی ملل به وسیله تشکیل مجمع اتفاق ملل اظهار داشته دولت فرانسه و انگلیس در بیانیه های خود شروع به بشارت دادن به ما و اظهار تصمیم به مساعدت ما در وصول به استقلال تام و حکومت ملیه و آزادی کامل نمودند و ما هم در انتظار این وعده ها با حفظ انتظام و امنیت صبر نمودیم . در صورتی که مضرات مالیه که نظیرش در هیچ دوره دیده نشده بود ، بر ما وارد می شد . وقتی که مدت انتظار طول کشید و از انجام مطالب موعوده اثری ظاهر نشد و بلکه از صاحب منصبان انگلیس اقدامات جدیدی بر ضد استقلال مملکت مشاهده شد ، توجه به مطالبه حقوق طبیعی مشروعه و انجام مواعید دولتین به نحو تقاضای او ، بی قانونی نمودیم فوراً ترضیقات شدیده و فشارهای خانمانسوز از صاحب منصبان بریتانی شروع شد؛ بدون هیچ علت

و جهتی جز عقیم گذاشتن مساعی ملت در نیل به حقوق مشروعه خود. و بنا کردند بر تضییع حقوق و حریت ما به هر طریقی که ممکن بود؛ از جمله اوراقی به خط انگلیس به اسم اوراق زراعت و مالیه به جماعتی از اعراب اظهار کرده، به امضای آنها رسانیدند، بعد معلوم شد اوراق اعتراف به قیمومت انگلیس بر عراق بوده و جماعتی از ما را صراحتاً اجبار به اعتراف بر آن امر نمودند که کم کم کار تضییقات بالا گرفته جماعتی را به حبس انداخته و جماعتی از اشراف و علما و سادات و رؤسای قبایل ما را گرفته، تبعید نمودند به نحوی که هیچ اثری از آنها پیدا نیست. و به منزل جماعتی از شیوخ عشایر ما هجوم کرده خانه‌ها و اثاثیه‌ها را سوزانده و عده [ای] از اهالی و مواسی<sup>۲۱</sup> آنها را کشتند در حالی که صاحب منازل غایب بودند و خودشان هم از جمله کسانی بودند که نهایت مواظبت بر حفظ سکون و مراعات امنیت عمومی داشتند. و ضمناً هر کس را از او احساس مطالبه حقوق مشروعه می نمودند، تهدیدات شدید نموده و در این بین به وارد کردن قوای نظامی شروع کردند و ما در این موقع برای حفظ خود و شرف و نوامیس مان هیچ چاره ندیدیم به جز اینکه در دفع تضییقات نظامی اتفاق نموده یک دل و یک جهت شویم با محافظت طریقه مسالمت و نهایت اجتناب و احتیاط؛ ولی آنها ما را به حال خود نمی گذارند و هر چه ما از آنها دوری می جویم آنها ما را تعقیب می نمایند. هر جا برویم نظامیان و توپها و طیارات آنها دنبال ما حرکت می نمایند. [هر چه] تقاضا می نمایم که تجدید سلم و اعاده امنیت نموده و ما را در مطالبه حقوق خودمان به طریق مطالبه ادبی [قانونی] آزاد نمایند، جواب نمی دهند. و [آنکه] پیشنهاد آنها را در خصوص متارکه و شرایط آنها قبول می نمایم، شاید هدایت بشوند، با ما [به] طریق خدعه و حيله رفتار می کنند. قوای نظامیان را راه می دهیم غفلتاً ما را می گیرند. در این بین از کثرت قتل زنان و اطفال و انداختن بمب در معابد و مساجد آن قدر وقوع یافت [که] نه تنها نوامیس دینی بلکه عالم انسانیت و مدنیت را به گریه آورد. همه اینها علاوه بر اینکه باب مخابرات و ایصال شکایت را به تمام دول حتی دربار لندن برای ما بسته اند تا اینکه در این اواخر امکان وصول شکایات به دول و مجمع اتفاق ملل معلوم شد. اینک ما به صدای بلند به مجمع اتفاق ملل و جمع دولی که برای آزاد کردن جامعه انسانیت از اسارت استبداد ظالم و نجات دادن بشریت از تعدیات مظالم و حشیانه قیام کرده و بر تصمیم عدل و تمهید سلم و امنیت عامه تصمیم و حمایت و رفع خطر از هر ملتی را که مطالبه حقوق خود نماید، ضمانت نموده اند، نظلم می نمایم و نهایت امیدواری و اعتماد ما بدان است که اصول حریت و عدالت که دول متمدنه متکفل شده اند اجازه نخواهد داد که حقوق ملت عراق پایمال شود. در صورتی که خود آنها لیاقت این را دارند که در تبدیلات حیاتی خود را نگاهدارند؛ چه از حیث ثروت تجارتی و زراعتی و استعداد آبادی که داشته و نهایت شهامت و شعور ذاتی و اهلیت تعالی و ترقی



که دارند و چه از حیث دارا بودن رجال قابل اداره ، امتحان قانونی داده از قبیل اطبا و ضباط و کتاب و مأمورین و مهندسین و معلمین مدارس .  
و شاهد مدعا اینکه ادارات ملکیه کنونی تماماً به [دست] بعضی رجال عراقی کاملاً اداره می شود.  
در حالی که در میان کسانی که هنوز داخل وظایف و مشاغل دولتی نشده اند بهتر از کسانی که فعلاً داخل هستند ، چندین برابر هستند . استدعا و استرحام ملت عراقی آنکه به فریاد رسید؛ ما را از این تزییقات نظامی آسوده ساخته ، در نیل استقلال مشروع خودمان آزادی داده و بگذارند که ما خودمان امورات مملکتمان را بدون دسیسه و القای تشویش خارجی تنظیم نماییم .  
محرم الحرام ۱۳۳۹ به امضای ۶۸ نفر رؤسای مهم عراق و قاندين انقلاب و تصدیق حضرت آیت الله مرحوم شریعت اصفهانی قدس سره .»

و نیز شرح ذیل را رؤسای قبایل به عموم آزادی طلبان در پایتختهای ممالک نوشتند :

«ما اهالی عراق از انگلیس درخواست نمودیم که به عهود و مواعید خود عمل کرده ، دست از قیمومیت عراق بکشد و ما را در زندگانی آزاد گذارد. انگلیس در مقابل این تقاضای مشروع بر زن و مردمان رحم نکرده ، کوچک و بزرگ را به قتل رساند. ما هم ناچار برای دفاع خود حاضر شدیم و آتش جنگ افروخته شد. انگلیسها با اسلحه کامل خود که در جنگ عمومی به کار می بردند ، با ما مقابله کردند. ما هم با سر و سینه خود که اسلحه منحصر به فرمان بود ، دفاع کردیم . این همه صدمات موجد علتی نداشت جز اینکه ما از انگلیسها تقاضا کردیم به ما اجازه دهند که امور مملکتمان را خودمان اداره کرده و مستقل به نفس باشیم ؛ ولی با تمام مواعیدی که در موارد معدوده در تصدیق استقلال ما داده بودند ، از اعتراف به این حق مشروع امتناع جستند و به ارتکاب انواع ظلم و جور مبادرت کردند. علی هذا از تمام آزادی طلبان عالم که به آزادی و انسانیت علاقه دارند ، استرحام نموده درخواست می کنیم که در استخلاص عراق از چنگال این دولت اقدام بنمایند.  
ملت عراق همیشه پاس حقوق اشخاصی که دست مساعدت به جانب او دراز کرده اند ، خواهند داشت .»

عموم رؤسای عراق ذیل این ورقه را امضا کردند ولی از هیچ طرف به آنها کمک و مساعدتی نشد با این حال با کمال جدیت با قوای مسلحه انگلیس مقاومت کرده آنها را از تسلط به قوای قهریه بر عراق مأیوس کردند که در این بین ، مرحوم آیت الله شیرازی در شب سیم ذی حجه ۱۳۳۸ وفات فرمود. مردم در خصوص دفاع محاربه از مرحوم شریعت اصفهانی<sup>۲۲</sup> کسب تکلیف کردند و ایشان مشروحه ذیل را در جواب مرقوم فرمودند :

«السلام علی كافة اخواننا المسلمین المدافعین عن بیضة الاسلام و رحمة الله و برکاته

اما بعد فانا نعزيكم و كافة الموحدين بفقد عميد المسلمين آية الله عظمى [العظمى] الميرزا قدس الله نفسه المقدسة فقد قضى نحبه و التحق بربه . بعد ان أدى حقّ وظيفته و قام بها حسب طاقته فلا تكن رحلته فتورا في عزائمكم و توانياً في عملكم فالجد الجدد ، حماة الدين و اعضاء المسلمين و النشاط النشاط و زيدوا على ما كنتم عليه اولاً من الدفاع الذي اوجبه عليكم من قبل واحميه وان صابروا يثبت الله اقدامكم و ينصركم على القوم الكافرين

النجف في ۳ ذى الحجة سنة ۱۳۳۸ حرر عن الجاني شيخ الشريعة الاصفهاني .<sup>۲۳</sup>

اهالی در قبال این حکم بر مقاومت و دفاع خود باقی ماندند تا اینکه بالاخره انگلیسها برای مصالحه با عراق حاضر شدند به این شرط که استقلال و تمامیت عراق را تصدیق کرده ، قشون خود را خارج کنند و چون جنگ به این شرایط خاتمه یافت ، اهالی عراق با امیر فیصل<sup>۲۴</sup> بیعت کردند. این صورت بیعتی است که در اواخر ذی قعدة سنة ۱۳۳۹ در جراید عراق منتشر شد :

«ما امضاکنندگان این ورقه با ملک فیصل اول بیعت کردیم با این شرط که استقلال عراق را حفظ کرده و حکومت عراق را با ترتیب قانونی دموکراسی شوروی [شورایی] که اجانب را در آن دخالت و تسلطی نباشد اداره کند.»

۳۰

چون بیعت فیصل اتمام پذیرفت ، انگلیسها مصمم شدند که قیمومیت خود را بر عراق ادامه دهند.

لهذا جميع رؤسا اجتماع کرده ، بین خود تعهدنامه ذیل را منعقد نمودند :

«ما اهالی عراق با یکدیگر تعهد می کنیم که هیچ گونه حمایت و قیمومیت انگلیس در عراق را نپذیرفته ، نهایت جدیت را در مطالبه حقوق خود به عمل آوریم و هیچ گونه مداخله اجانب را در شئون داخلی و خارجی خود قبول نماییم و جان و مال خود را از [در] این راه فدا کنیم و از خداوند در موفقیت خود اعانت می جوییم.»

عموم قبایل و اهالی ولایات ، ذیل این ورقه را امضا کرده نسخه [ای] از آن به مجتهدین و نسخه دیگر را به فیصل تقدیم کردند و عده [ای] را برای مذاکره با فیصل معین نمودند. در تعقیب این مذاکرات و مجادلات طولانی ، انگلیسها از اقتناع اهالی عراق به قبول حمایت مأیوس شدند؛ لهذا متوسل به تدابیر مختلفه برای تولید نفاق بین اهالی عراق گردیدند تا شاید بدین وسیله بتوانند قیمومیت خود را بر عراق مستقر دارند و نزدیک بود به تحریکات انگلیسها ، جنگ بین قبایل حادث شود که آیت الله خالصی<sup>۲۵</sup> دامت برکاته فتوای ذیل را بین قبایل منتشر فرمود :

«بر عموم مسلمین واجب است که با یکدیگر کمال معاضدت و مساعدت را به عمل آورده ، از نفاق و اختلاف دوری جویند و هر کس برای خشنودی اجانب خلاف این رویه را پیش گیرد ، در

شمار کفار محسوب شده، سلام و معاشرت و مکالمه و عبادت و تشییع جنازه او بر عامه حرام و دفن او در مقابر مسلمین غیرجائز و سزاوار غضب و سخط الهی و مستحق عذاب جهنم می باشد.

الراجی محمد مهدی الکاظمی الخالسی عفی عنه»

پس از انتشار این فتوی، عموم قبایل متوجه شدند که اختلافات آنها به تحریک انگلیس بوده لهذا با یکدیگر متفق الکلمه شده در مرتفع ساختن قیمومیت انگلیس از عراق، متحد گردیدند. چون انگلیسها از تولید نفاق و اختلاف بین قبایل مأیوس شدند، به وهابین از حیث اموال و اسلحه و غیره کمک نموده، آنها را تحریک به حمله عراق کردند تا شاید اهالی عراق به واسطه فرط علاقه که به عتبات عالیات و مراقد ائمه اطهار دارند و مسلک وهابیه هم انهدام این بقاع متبرکه است مستأصل شده، حمایت انگلیس را درخواست کنند؛ ولی این اقدام هم برای انگلیسها به عکس نتیجه بخشید.

وهابین در اواخر جمادی الثانیه به [استان] منتفک هجوم آوردند و در بین راه از زن و مرد، هر که را دیدند به قتل رساندند و اغنام و مواشی را غارت کردند و دستجات آنها به نجف اشرف نزدیک شد.<sup>۲۶</sup> این مسئله موجب هیجان اهالی شده، علما برای رفع مخاطره از مراقد ائمه اطهار قیام نموده، تلگراف ذیل را مخابره کردند:

«کاظمیه - حجت الاسلام آقا شیخ محمد مهدی خالسی دامت برکاته .

به هیچ وجه بر مواعید و اقوال انگلیس در دفع خوارج اعتماد و اطمینان نمی توان کرد. خواهش می کنیم با تمام رؤسای که حاضر هستند، عازم کربلا شوید تا در امور عراق مذاکره کنیم.

محمد حسین غروی نائینی، ابوالحسن الموسی الاصفهانی»

چون این تلگراف به آیت الله خالسی رسید، عموم رؤسای را که حضور داشتند، امر به حرکت فرموده، تلگراف ذیل را به تمام نواحی عراق مخابره نمودند:

«بعد العنوان - مقرر شده است که عموم علما و رؤسای قبایل از روز دهم تا پانزدهم شعبان در کربلا جمع شوند. بر شما هم واجب است که در موقع مذکور حضور به هم رسانید.

الراجی محمد مهدی کاظمی خالسی عفی عنه»

تلگراف ذیل را هم در جواب علمای نجف مخابره فرمودند:

«حجتی الاسلام اصفهانی و نائینی دامت برکاتهما

در روز دهم شعبان با تمام رؤسای قبایلی که حاضر هستند، به کربلا خواهیم آمد. به رؤسای قبایل اطراف هم اطلاع داده ام که در روز مذکور حاضر شوند. ملک فیصل هم حضور خواهد داشت.

محمد مهدی الکاظمی الخالسی عفی عنه»

هنوز روز دهم نشده بود که دسته [ها] از اطراف کربلا هجوم آوردند و عده آنها بالغ بر سیصد هزار بود که با خود متجاوز از ۲۵۰۰ نفر رئیس همراه داشتند. رؤسا عموماً در منزل مرحوم آیت الله شیرازی اجتماع کردند و بعد از مذاکرات زیاد در تحت ریاست آیت الله خالصی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی تعهد نامه ذیل را نوشتند :

«ما امضاکنندگان این ورقه در روز ۱۵ ماه شعبان المعظم حسب الامر علمای اعلام که اطاعت اوامر آنها فرض به ذمه ماست ، در کربلا حاضر و متعهد شدیم که در مقابل هرگونه حملات خارجی از قبیل وهابی و غیر آن از عراق دفاع کرده و آنچه را که از تصرف عراق خارج شده ، عودت دهیم و برای مقاومت با متجاوزین به استقلال عراق از بذل جان و مال مضایقه ننماییم .»  
عموم رؤسای قبایل و بزرگان عراق این ورقه را امضا کرده نسخه [ای] از آن را به فیصل دادند و نسخه [ای] هم نزد علما [به] ودیعه گذاشتند و شاید هم به ایران فرستاده باشند .

چون انگلیسها مقاومت و اتحاد عراقیین را در مقابل هجوم وهابیها دیدند ، از این اقدام خود پشیمان شدند و از قیمومیت و حمایت ، ذکر [ی] به میان نیاوردند تا شب اول شعبان ۱۳۴۰ که صورت تصریح مستر چرچیل<sup>۲۷</sup> را انتشار دادند و مضمون آن این است :

«ملک فیصل به مستر پرسی کوکس اطلاع نداده است که اهالی عراق مایل به قیمومیت انگلیس نیستند.»

چون این تصریح منتشر شد ، احساسات و عواطف اهالی به هیجان آمده و در عوض اجرای مراسم عید ، با نهایت غم و غصه در شوارع شهر اجتماع کرده ، هشت نفر از رؤسای خود را برای مذاکره در خصوص این تصریح و اظهار مقاصد ملت نزد فیصل فرستادند. فیصل آنها را رسماً پذیرفته ، وعده داد که از این به بعد با تلگرافاتی که از طرف ملت به نقاط مختلفه مخابره می شود ، معارضه [و مخالفت] نکرده و شخصاً متعهد [شود] که آنها را به مقصد برساند .  
نمایندگان جمعیت به تمام پایتختهای ممالک آسیا و اروپا و امریکا و پارلمانها و مجمع اتفاق ملل و جراید مهمه تلگراف ذیل را مخابره کردند :

«مستر چرچیل اظهار کرده است که اهالی عراق تا به حال عدم تمایل خود را نسبت به قیمومیت انگلستان به نماینده انگلیس ابلاغ نکرده اند. در صورتی که اهالی به وسایل مختلفه تمایل خود را به آزادی مطلق و استقلال تام به تمام عالم اطلاع داده اند و شورش آنها در هزار و نهصد و بیست در این مسئله بهترین دلیل است . اکنون هم در تعقیب اظهارات سابق ، ما را انتخاب کرده اند تا به تمام عالم ابلاغ کنیم که با تمام قوای خود از قیمومیت انگلیس امتناع کرده و استقلال تام خود را درخواست کرده و از تمام اشخاصی که با آزادی ملل ضعیفه همراه هستند که در نیل به آرزوهای خود که عبارت از استقلال و آزادی است ، استعانت می جویم .»

چون این تلگراف نوشته شد برای مخابره به تلگراف خانه فرستاده و ۱۲۵۰ روپیه اجرت آن را تأدیه کردند ولی پس از بیست روز، انگلیسها در جریده تایمز بغداد اعلان کردند که تلگرافات نرسیده و فیصل مصر بوده که نمایندگان قبول نمودند و تلگرافات را به وسیله دیگر مخابره کردند و در ۶ ذی قعدة نمایندگان اهالی، لورد ایلی صاحب روزنامه مورنینگ پست در کاظمیه [را] در محضر رؤسای قبایل و مخبرین جراید حاضر کرده، از او درخواست نمودند که تصمیمات عراقیین را در روزنامه خود درج نماید و مذاکرات بسیاری بین نمایندگان و لورد جریان یافت که بالاخره بر او مسلم شد که عراقیین حاضر به قبول حمایت انگلیس نیستند:

«در این موقع رؤسای قبایل عموماً اجتماع کرده و میثاق ذیل را نوشته و امضا نمودند. میثاق وطنی ذیل را که عبارت از مواد مذکور آتی است ما رؤسای عشایر عراق اصالتاً از طرف خود و کالتاً از طرف افراد قبایل و تمام تبعه خود امضا نموده، قسم یاد کردیم که تمام آنها را کاملاً رعایت کرده و منظور وطنی و دینی خود قرار دهیم و با خدای عز و جل عهد بستیم که عمل بر طبق آنها نموده و از هیچ جزئی از جزئیات آن عدول ننماییم.

۱- تشکیل حکومت مشروطه دموکراسی که در پیشگاه ملت مسئول، دارای استقلال سیاسی تام بوده و از هرگونه مداخلات خارجی مصون باشد.

۲- تأیید و تقویت ملک فیصل مادام که در اساس استقلال تام حدود طبیعی عراق ساعی باشد.

۳- رد قیومیت انگلیس و نقض هر معاهده که مضر به استقلال تام عراق بوده و مخل حیثیات و شرافت ملی باشد (۶۸ نفر رؤسای منطقه فرات، ۳۲ نفر رؤسای غراف، ۴۲ نفر رؤسای مجره و حمار و جرزه، ۷۵ نفر رؤسای فرات اوسط، ۷ نفر از رؤسای کربلا، ۲ نفر نماینده رؤسای عشایر دجله ادنی، ۱۵ نفر رؤسای فرات اعلی، ۱۵ نفر رؤسای منتفک، ۶۱ نفر رؤسای دجله و فرات اعلی، ۶ نفر رؤسای بلدیة، ۱۱۴ نفر رؤسای فرات اوسط و دجله وسطی، ۹۱ نفر رؤسای جویحه و دیاله).<sup>۲۸</sup>

پس از حدوث این وقایع، انگلیسها ظاهراً از قیومیت و حمایت دست کشیده و اظهار کردند که استقلال عراق را [تأیید] می نمایند و مایل اند که با عراق مستقل، معاهده [ای] منعقد نمایند. چون آزادی طلبان و مبرزین قوم مواد معاهده را ملاحظه کردند، دیدند هیچ امتیازی با قیومیت ندارد؛ جز اینکه در اینجا اسم قیومیت ذکر نشده و متن معاهده به شرح ذیل است:

«چون پادشاه انگلیس حکومت قانونی فیصل بن حسین را بر عراق تصدیق کرده و پادشاه عراق صلاح عراق و سرعت ترقیات آن را منوط به عقد قرارداد اتحاد با پادشاه انگلیس می داند و چون پادشاه انگلیس موقع را برای تجدید روابط حسنه خود با پادشاه عراق مقتضی و برای انجام این مقصود، انعقاد عهدنامه اتحادیه را بهترین وسیله می داند؛ لهذا دولتین متعاهدتین معظمین از

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

طرف خود برای انعقاد این معاهده دو نماینده معین کردند و انجام این امر را به آنها واگذار نمودند.

از طرف پادشاه ممالک متحده: بریتانیای عظمی و ایرلاند و مستملکات ماوراء بحار و امپراطور هند، سرپرستی زکریاکوکس دجی . سی - ام . دجی - سی آی . ای . کی . سی . اس . آی نماینده عالی و جنرال قنسول پادشاه بریتانیا در عراق .

از طرف پادشاه عراق میرسید عبدالرحمن افندی<sup>۲۹</sup> دجی . بی . ای رئیس الوزراء و نقیب اشراف<sup>۳۰</sup> بغداد.»

دو نماینده فوق پس از آنکه اعتبار نامه‌های یکدیگر را ارائه دادند و مطابق با قواعد اصول جاریه بود به مواد ذیل اتفاق کردند :

### ماده اول

بنا بر تقاضای پادشاه عراق ، پادشاه بریتانیا متعهد می شود که در مدت برقراری این معاهده و اجرای مواد آن ، هرگونه کمک و مشورتی که برای دولت عراق مقتضی باشد، مبذول دارد ولی به قسمی که به حاکمیت وطنیه او لطمه وارد نیاید .  
پادشاه انگلیس یک مأمور عالی و جنرال قنسول به معاونت اجزاء کافی به عنوان نمایندگی در عراق خواهد داشت .

۳۴

### ماده دوم

پادشاه عراق متعهد می شود که در مدت برقراری این معاهده هیچ مستخدم غیرعراقی را برای وظائفی که فرمان پادشاهی لازم است ، بدون تصویب پادشاه بریتانی استخدام نکند و قریباً راجع به عده مستخدمین انگلیس در عراق و شرایط استخدام آنها مقاوله مخصوصه در حکومت عراق منعقد خواهد شد .

### ماده سیم

پادشاه عراق موافقت می کند که قانون اساسی تهیه کرده ، به مجلس مؤسسان عراق پیشنهاد نماید و متعهد می شود که آن را تنفیذ کند و این قانون باید محتوی موادی که مخالف این معاهده است نباشد و حقوق و مقاصد و مصالح عموم ساکنین عراق در آن مراعات شود و همچنین پادشاه عراق متعهد می شود که ضامن آزادی عقیده و آزادی اجرای عباداتی که مخل به نظام و آداب مملکتی نیست کرده و هیچ گونه امتیازی را به واسطه مذهب یا نژاد یا زبان بین اهالی عراق قائل نشود و به عموم طوایف عراق اطمینان می دهد که مدارس آنها محفوظ بوده ؛ و محق خواهند



مظالم انگلیس در بین النهرین

بود، زبان مخصوص خودشان را در مدارسشان تعلیم کنند مشروط بر اینکه این ترتیب با دستور عمومی که حکومت عراق برای تعلیمات مقرر می دارد، موافقت نماید و باید قانون اساسی اصول مشروطیت را خواه راجع به قوه مقننه و خواه مجریه تعیین کرده؛ و تمام امور مهمه که راجع به مسائل مالیه و نقدی و نظام است، تابع این اصول خواهد بود.

#### ماده چهارم

پادشاه عراق موافقت می کند که در تمام مدت این معاهده هرگونه مشورتی را از طرف پادشاه بریتانیا در امور مهمه که مربوط به مصالح و تعهدات اداری و مالی دولت انگلیس است به توسط مأمور عالی انگلیس قبول نماید و این ماده مخالف نص ماده ۱۷ و ۱۸ نخواهد بود.

پادشاه عراق ملزم است که در کلیه امور راجع به مالیه و نقدیه از نماینده عالی انگلیس مشورت نموده و تا زمانی که حکومت عراق مدیون حکومت انگلیس است حسن انتظام مالیه را تأمین نماید.

۳۵

#### ماده پنجم

پادشاه عراق حق دارد نمایندگان سیاسی خود را به لندن و سایر پایتختهای ممالکی که بین دولتین توافق نظر حاصل شده است اعزام دارد. پادشاه عراق موافقت می کند که هر کجا پادشاه عراق نماینده ندارد، حمایت اهالی عراق را پادشاه بریتانیا عهده دار شود. کلیه اعتبار نامه های نمایندگان دول خارجه در عراق بعد از موافقت پادشاه بریتانیا در تعیین آنها به تصدیق پادشاه عراق خواهد رسید.

#### ماده ششم

پادشاه بریتانیا متعهد می شود نهایت جدیت را مبذول دارد که در اقرب اوقات دولت عراق به عضویت مجمع اتفاق ملل پذیرفته شود.

#### ماده هفتم

پادشاه بریتانیا متعهد می شود که نسبت به قوای نظامی عراق مساعدت و کمک خود را در حدودی که بین دولتین متعاهدین معظمین موافقت به عمل آمده، مبذول دارد و برای تعیین مقدار این امداد و شروط آن مقاوله مخصوصه بین دولتین منعقد شده و به نظر مجمع اتفاق ملل خواهد رسید.

ماده هشتم

هیچ قطعه از اراضی عراق نباید به دولت اجنبی واگذار یا اجاره داده شود و یا در تحت نفوذ و تسلط دولتی واقع گردد؛ ولی این التزام پادشاه عراق را مانع نخواهد بود که تدابیر لازمه را برای اقامت نمایندگان سیاسی خارجه و اجرای مقتضیات ماده سابقه اتخاذ نماید.

ماده نهم

پادشاه عراق متعهد می‌شود که رشته اصلاحاتی را که پادشاه بریتانیا در امور عدلیه مقرر می‌دارد، قبول نماید تا مصالح اجانب را - که به واسطه لغو امتیازاتی که سابقاً از آن استفاده می‌کردند متزلزل شده - تأمین نماید و لازم است نص این طرح اصلاحیه به واسطه مقاوله مخصوصه<sup>۳۱</sup> بین دولتین منعقد شده و به مجمع اتفاق ملل ابلاغ گردد.

ماده دهم

دولتین متعهدتین معظمتین توافق نظر حاصل نمودند در انعقاد قراردادهای مخصوصه برای تأمین معاهدات و مقاولاتی که پادشاه بریتانیا در امور راجع به عراق متعهد شده است و پادشاه عراق متعهد می‌شود که برای اجرای این تعهدات قوانین لازمه را تهیه نماید. این قراردادها به نظر مجمع اتفاق ملل خواهد رسید.

۳۶

ماده یازدهم

در عراق هیچ گونه امتیازی بین رعایای دولت انگلیس و رعایای سایر دول خارجه که عضو مجمع اتفاق ملل هستند یا به وسیله معاهده پادشاه بریتانیا همان حقوقی را که اعضای مجمع دارا هستند برای آنها متعهد شده (کلمه رعایا شامل شرکتهایی که به موجب قوانین این دولت تشکیل شده نیز خواهد بود) در امور راجع به مالیات و تجارت و کشتی رانی و کسب و صنایع و معاملات سفائن و تجارتی و هوائی نخواهد بود و همچنین برای هیچ یک از دول مذکوره راجع به صادرات و واردات امتیازی نیست و نیز عبور و مرور امتعه و مال التجاره از اراضی عراق با شرایط منصفانه آزاد خواهد بود.

ماده دوازدهم

هیچ گونه تبلیغات مذهبی را در عراق نمی‌توان جلوگیری یا مداخله نمود و به هیچ وجه به واسطه عقائد دینی یا نژادی آنها نمی‌توان در این تبلیغات امتیازی منظور داشت. مادام که این

اعمال مخل به انتظامات عمومی و حسن اداره حکومت نباشد.

#### ماده سیزدهم

پادشاه عراق متعهد می شود در حدودی که احوال اجتماعی و دینی به او اجازه می دهد با تصمیمات مجمع اتفاق ملل راجع به جلوگیری از امراضی که متضمن امراض حیوانات و نباتات هم می باشد مساعدت به عمل آورد.

#### ماده چهاردهم

پادشاه عراق متعهد می شود که وسایل لازمه را برای انشای نظام نامه ، راجع به آثار عتیقه در عرض ۱۲ ماه پس از اجرای این قرارداد اتخاذ نماید و ملتزم می شود که این نظام نامه را تنفیذ کند. اساس این نظام نامه بر روی قواعد ملحقه ماده ۴۲۱ معاهده سور ۱۰ اوت ۱۹۲۰ بوده و قائم مقام نظام نامه سابق عثمانی راجع به آثار عتیقه خواهد شد و همچنین پادشاه عراق متعهد می شود که در خصوص مسائل راجع به تفتیش و تفحص آثار عتیقه بین رعایای دولتی که عضو مجمع هستند یا پادشاه بریتانیا اجرای این حقوق را برای آنها ضمانت کرده است ، مساوات کامل منظور دارد.

۳۷

#### ماده پانزدهم

قرارداد مخصوص بین دولتین متعهدتین معظمتین در خصوص مسائل راجع به مالیه منعقد شده و در این قرارداد کمکهایی که حکومت بریتانی برای مصالح عمومی و مساعدت های مالی که بر حسب مقتضیات مواقع مختلفه باید نسبت به حکومت عراق مبذول دارد، تصریح شده و از طرف دیگر مقرر شده است که حکومت عراق باید دیونی که راجع به این مسائل ایجاد می شوند، تدریجاً تصفیه کند. این قرارداد به مجمع اتفاق ملل ابلاغ خواهد شد.

#### ماده شانزدهم

دولت بریتانیا متعهد می شود در حدودی که تعهدات او با سایر دول اجازه می دهد در راه ارتباط گمرکی عراق با سایر دول عربی هم جوار هیچ گونه اشکالی فراهم نکند.

#### ماده هفدهم

در صورتی که در تفسیر مواد این معاهده اختلافی بین دولتین متعهدتین معظمتین حادث شود

حل اختلاف به محکمه دائمی قضاوت بین المللی که در ماده ۱۴ قرارداد مجمع اتفاق ملل به آن تصریح شده رجوع می‌شود و در صورت اختلاف مابین متن انگلیسی و عربی، متن انگلیسی معتبر خواهد بود.

#### ماده هیجدهم

این معاهده پس از تصدیق از طرف دولتین متعاهدتین معظمتین و قبول مجلس مؤسسان به موقع اجرا گذاشته شده و تا بیست سال معمولاً بها خواهد بود؛ و پس از انقضای این مدت اگر دولتین معظمتین ملاحظه کردند که ادامه آن لازم نیست، به مقدرات آن خاتمه می‌دهند و در صورتی که ماده ۶ به موقع عمل گذاشته نشده باشد، لازم است که مجمع اتفاق ملل اختتام معاهده را تصویب نماید و در صورت مجزا شدن ماده مذکور، این مسئله به مجمع اتفاق ابلاغ خواهد شد. برای دولتین معظمتین متعاهدتین هیچ مانعی نخواهد بود از اینکه در مواقع مختلفه در شروط این معاهده و شرط مقاولات جداگانه که از مواد ۷، ۱۰، ۱۵ متفرع می‌شود، تجدید نظر به عمل آورده و تعدیلات و اصلاحاتی که مناسب با مقتضیات وقت است به آن منضم کنند و هر گونه تعدیلی که دولتین معظمتین در آن توافق نظر حاصل نمایند باید به مجمع اتفاق ملل ابلاغ شود.

۳۸

تصدیق نامه‌های این عهدنامه باید در بغداد مبادله شود.

این معاهده به زبان عربی و انگلیسی تحریر شده و صورتی از هر دو لغت در خزانه اسناد حکومت عراق و کابینه اسناد حکومت بریتانیا ضبط خواهد شد. نمایندگان مخصوصه دولتین این معاهده را امضا و مهر کردند.

این معاهده در بغداد در روز دهم ماه تشرین ۳۲ اول ۱۹۲۲ میلادی مطابق ۱۹ صفر ۱۳۴۰ هجری در دو نسخه تحریر شد (عبدالرحمن نقیب اشرف بغداد و رئیس الوزرای حکومت عراق)، (پرسی زکریا کوکس نماینده عالی پادشاه بریتانیا در عراق)

پس از آنکه معاهده هیئت وزرا داده شد و مردم از مضمون آن مطلع شدند، به هیجان آمده در روز شنبه یازدهم ذی قعدة ۱۳۴۰ دکاکین را در بغداد و کاظمیه تعطیل کردند و هیئتهای متعدده تشکیل داده، در کوچه و بازار بر ضد معاهده میتینگ دادند و دستجات مردم، پانزده هیئت برای اظهار ضدیت با معاهده از طرف خود به منزل رئیس الوزراء فرستادند. رئیس الوزراء قسم یاد کرده بود که تا زنده است از امضای معاهده امتناع خواهد کرد. به محض انتشار معاهده در اطراف، از تمام رؤسای قبایل و ادارات بلدیة ولایت تلگرافات متعدده به مضمون ذیل به رئیس الوزراء مخابره شد:

«رئیس الوزراء! قبل از اینکه قشون انگلیس از عراق خارج شود برای قبول معاهده که فعلاً در هیئت وزرا مطرح است و هر معاهده که بعدها منعقد می شود، حاضر نیستیم و با تمام قوای خود بر ضد آن مقاومت خواهیم کرد.»

رؤسای قبایل در کاظمیه در محضر آیت الله خالصی جلسه تشکیل دادند و ایشان اظهار فرمودند: اهالی عراق با فیصل به شرط حفظ استقلال تام و قطع تسلط اجانب بیعت کرده اند. اگر فیصل در انعقاد این معاهده و امثال آن اصرار ورزد، عراقین می توانند بیعت خود را نقض نمایند. رؤسای قبایل عموماً این بیان را تصدیق کردند.

در کربلا هم در ۹ ذی حجه جمعیت کثیری از علما، رؤسای قبایل جمع شده، معاهده را لغو نمودند و به فیصل هم ابلاغ کردند در روز ۱۸ ذی حجه در نجف در حضور آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی [و] اغلب [از؟] رؤسای قبایل اجتماع کرده، لغو معاهده را اظهار و به توسط حاکم کربلا که در آن مجلس حاضر بود به امیر فیصل و رئیس الوزراء ابلاغ کردند و روز تاج گذاری فیصل<sup>۳۳</sup> در مجلس نماینده عالی و مأمورین انگلیس، حزب وطنیون<sup>۳۴</sup> میتینگ داده، احساسات خود را بر ضد معاهده اظهار و چندین مرتبه فریاد کردند: معدوم باد قیومیت انگلیس و معاهده، و زنده باد عراق آزاد مستقل. سپس حزب وطنی یادداشت شدیداللهجه [ای] به نماینده انگلیس و فیصل تقدیم داشته و خلاصه آن این است:

در روز ۱۶ ذی حجه ما حزب وطنیون اجتماع کرده بر مخالفت انگلیسها با استقلال ما و خارج نکردن قشون خود و باقی گذاشتن مستشارها در ادارات اعتراض و جداً تقاضا می کنیم که هر چه زودتر قشون خود را خارج کرده استقلال ما را تصدیق و در امورات ما به هیچ وجه مداخله نمایند.

جراید هم در انتقاد معاهده و اعمال انگلیس خیلی اظهار حرارت کردند.

عموم قبایل هم تلگراف ذیل را به فیصل نوشتند:

«جلالة ملك فيصل دامت سلطنة - ما عموم قبایل عراق با حکومت حالیه قطع رابطه کرده و حاضر برای اطاعت اوامر او نیستیم و دیناری مالیات نخواهیم داد تا موقعی که مواد ذیل اجرا شود.

۱- اعلان الغای معاهده رسماً.

۲- تصدیق انگلیس به استقلال عراق و خارج ساختن قشون خود و خودداری وزارت مستعمرات از نظارت در احوال عراق و چنانچه دولت انگلیس بخواهد با عراق روابط دوستی و اتحادی پیدا کند باید وزارت خارجه خود را واسطه این کار قرار دهد.

۳- اعلان آزادی مطبوعات.»

چون کار به اینجا رسید، انگلیسها کابینه عراق را ساقط کرده حکومت عربی را به کلی لغو نمودند و اظهار داشتند که فیصل مریض است و نمی تواند از منزل شعوع یهودی بیرون بیاید و خودشان مستقیماً زمام حکومت را در دست گرفته، در روز غره محرم ۱۳۴۱ عده [ای] از رؤسای عراق را به [جزیره] هنگام تبعید کردند و تعطیل حزب وطنی را اعلان نموده مدیران مطبوعات آزادی طلب را هم به هنگام فرستادن و عده [ای] از علما را به ایران تبعید کردند و می خواستند بعضی از علمای نجف و کربلا را نیز توقیف نمایند ولی موفق نشدند؛ اما جمعی از رؤسای قبایل را حبس کردند و چند طیاره به [شهرستان] دغاوه فرستادند که در آنجا ۵۶ بمب از یکی از مجالس تعزیه حسین علیه السلام انداخت و زن و مرد زیادی را به قتل رسانیدند. جنگهای دیگر هم در [شهرستانهای] غراف و رمینه اتفاق افتاد و رؤسای غراف عریضه ذیل را حضور علمای نجف و کربلا معروض داشتند:

«حضرات حجج الاسلام آقا سید ابوالحسن، آقا شیخ محمدمهدی خالصی، آقا میرزا حسین نائینی دام بقاهم.

احساسات دینی و حب وطن ما را وادار کرد به اینکه مطالب و اظهارات خودمان را در تعقیب مقررات و احکام علمای اعلام، به حکومت تذکر داده، اجرای آن را خواستار شدیم و چون حکومت از اجرای این اظهارات مضایقه کرد، با او قطع رابطه نمودیم در مقابل مستشار متنفک و همراهان خیانت پیشه او، دسته [ای] از طیارات به طرف ما گسیل داشته، بارانی از آتش بر سر ما ریختند و شعله این آتش پیران سالخورده و اطفال شیرخواره را هم فرا گرفت ولی برای انگلیسها از این اقدامات نتیجه حاصل نشد. عجلتاً راهها مسدود و سیمها مقطوع است. پربروز عده مختصری سوار که بالغ بر هشتاد بود از ناصریه به ازیرج فرستادند. در بین راه دچار قبیله خفاجه شده، مغلوب و گرفتار آنها شدند و قسمت دیگری که در اراضی ازیرج بودند، همان جا مضمحل و مغلوب گردیدند و بحمدالله حسن اتحاد و یگانگی ما محکم و روز به روز در تزیاید است و بعضی شهرها از قبیل ناصریه و شطره در مورد حمله و محاصره است. نواحی دیگر هم با تهدیدات متوالیه طیارات در حال سقوط است و ما هر روزه یادداشتی به انگلیسها داده مقاصد و آمال ملت را متذکر می شویم، استدعا آنکه ما را بر حقیقت حال هدایت کرده اقداماتی که ما و سایر اهالی عراق مکلف به اجرای آن هستیم معین فرمایند.

امضاآت

و نیز به نماینده عالی انگلیس و فیصل یادداشت ذیل را تقدیم نمودند:

«ماژرریدس شروع به اجرا و تعقیب سیاست انتقام کرده بدون هیچ جرم و تقصیری قبایل شطره را به وسیله طیارات مورد حمله قرار داده، بدون ترحم و عذوفت، زنها و بچه های آنها را به قتل



مظالم انگلیس در بین النهرین

رسانید. تعقیب این سیاست هر چند با دلایل پوچ دفاع شود، حقیقت آن روشن و چون با سیاست عامه وفق نمی دهد موجب انضجار [انزجار] خاطر عموم و انقلابات عظیمه خواهد شد و خیلی مورد تعجب است که با نهایت اصراری که اهالی به حفظ مسالمت و انتظام دارند، مآثر ریدس این فتنه ها را ایجاد می کند و بدیهی است که مسئولیت و نتایج وخیمه این وقیع متوجه او و اتباعش خواهد بود

امضاآت

در خلال این حوادث و انقلابات، فیصل از مرض خود شفا یافته، کابینه را تشکیل و معاهده را اعلان نمود، مردم را به شروع انتخابات برای مجلس مؤسسه [مؤسسان] دعوت کرده، مردم از شرکت در انتخابات امتناع جسته و در این خصوص از علما استفتاء کردند. علما حکم به حرمت دادند و این صورت استفتاء و جواب آن است:

«حضرات علمای اعلام و حجج اسلام متعنا لله بظلمهم مدی [ایام].

شایع است که شما به مقتضای وظیفه دینی و ریاست روحانیه خود، مداخله در انتخابات را بر عموم اهالی عراق حرام فرموده اید و مساعدت در این امر را از هر جهت غیر جائز شمرده و به منزله محاربه با خدا و پیغمبر دانسته اید. استرحاماً تقاضا می کنیم که صحت این مسئله را بیان فرمایید تا اوامر عالییه شما را که خداوند به اطاعت آن فرمان داده اطاعت کنیم.

جواب: بلی ما حکم تحریم انتخاب را صادر کرده ایم. چنان که بر عموم اهالی واضح و آشکار است و هر کس در این امر دخالت یا همراهی نماید، مثل کسی است که اقدام به محاربه [با] خدا و پیغمبر کرده باشد.

الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی<sup>۳۵</sup>

بلی از طرف ما حکم تحریم انتخاب بر عموم اهالی عراق صادر شده است؛ لهذا هر کس در این امر دخالت نماید، مثل کسی است که با خدا و پیغمبر محاربه کرده است.

الراجی محمد مهدی الکاظمی الخالسی عفی عنه

بلی حکم کرده ایم به حرمت انتخاب و حرمت مداخله آن بر عموم اهالی عراق؛ لهذا هر کس در این امر مداخله کند و کمترین مساعدتی بنماید با خدا و پیغمبر و ائمه اطهار محاربه کرده است.

الاحقر محمدحسین الغروی النائینی<sup>۳۶</sup>

بلی بر حسب احکام صادره از حضرات علمای اعلام دامت برکاتهم، انتخاب به جهت مجلس اساسی عراق حرام است شرعاً و هر کس متصدی انتخاب شود یا مساعدت در انتخاب کند محارب با خداوند جل شأنه و یا حضرت رسول و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین خواهد بود.

## مصلواته مطالعات نابری

نجل مرحوم میرزا محمدتقی عبدالحسین شیرازی

بسمه تعالی

حضرات علمائنا الاعلام و حجج الاسلام متعنا الله تعالى بظلمهم مدى الايام ، بلغنا انكم بمقتضى وصيتكم الدينيه و رياستكم الروحانية حرمتم على كافة الامة العراقية المداخلة في هذا الانتخاب المضر بالامة و حرمتم المساعدة فيه بكل وجه و جعلتم المساعدة فيه محادة لله و لرسوله فنسرحم منكم ان تبيّنوا لناصحة ذلك حتى نمثّل او امركم الشريعة التي امر الله تعالى بامثالها ادام الله ظلكم .

١٥ ربيع الاول سنة ١٣٤١<sup>٣٧</sup>

نجف اشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم قد صدر منا تحريم الانتخاب في الوقت الحاضر لما هو غير خفي على كل بلاد و حاضر فمن دخل فيه و ساعد عليه فهو كمن حارب الله و رسوله و اوليائه صلوات الله عليهم اجمعين .  
الاحقر ابو الحسن الموسوي الاصفهاني  
(مهر ابو الحسن الموسوي)<sup>٣٨</sup>

٤٢

نجف اشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم حكمنا بحرمة الانتخاب و حرمة الدخول فيه على كافة الامة العراقية و ان من دخل في هذا الامر او ساعد عليه ادنى مساعدة فقد حاد الله [و] رسوله و الائمة الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين اعاذ الله الجميع عن ذلك .

١٩ ع ١ سنة ١٣٤١

الاحقر محمد حسين الغروي النائيني  
(محمد حسين)<sup>٣٩</sup>

كاظميه

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم قد صدر منا الحكم بتحريم الانتخاب على كافة الامة العراقية فمن دخل او تداخل او ساعد فيه

مظالم انگلیس در بین النهرین

فقد حاد الله و رسوله و قد قال عز من قائل في محكم كتابه المجيد «الم يعلموا انه من يحد الله و رسوله فان له نار جهنم خالداً فيها ذلك الخزي العظيم» اعاذ الله الجميع من ذلك .

سنه ۱۳۴۱/۱۹۲۵

الراجي محمد مهدي الكاظمي عفي عنه ۴۰

(مهر محمد مهدي)

کربلا

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم ان انتخاب المؤتمر العراقي حسب ما صدر الاحكام من حضرات علماء الاعلام دامت بركاتهم حرام شرعاً فمن تصدى او ساعد عليه فهو محارب الله و الرسول [رسوله] (ص) و الائمة الطاهرين .

ابن آية الله الميرزا محمد تقي عبدالحسين الشيرازي ۴۱

عبدالحسين بن محمد تقي

۴۳

صورت این فتوی [ها] به تمام دیوارهای مساجد نصب شده و عموم مردم از شرکت در انتخابات امتناع نمودند. انگلیسها می خواستند با اهالی با کمال خشونت رفتار کنند. لهذا در ۲۵ ربیع الثانی در بعضی شهرهای عراق دکاکین را بسته علما اجتماع کردند و با نهایت شجاعت در مقابل انگلیسها مقاومت نمودند و قرار گذاشتند هر وقت جزئی محادثه بر ضرر عراق اتفاق افتاد، فوراً اجتماع کنند.

روزنامه تایمس [تایمز] بغداد در شماره روز ۷ نوامبر عبارت ذیل را درج کرد :

«عجالتاً ترتیب انتخابات به حالت سابق باقی است و حکومت نهایت جدیت را مبذول می دارد که مجتهدین فتوای خود را لغو کنند ولی مجتهدین حاضر نیستند و اجرای مواد ذیل را از حکومت درخواست می کنند :

۱- لغو معاهده و اعلان دولت انگلیس آزادی عراق را.

۲- حکومت جدید عراق وعده دهد که قانون نظام اجباری را اجرا نکند.

۳- عفو حکومت از تبعید شدگان و اعاده آنها به اوطانشان و آزاد گذاردن حزب وطنی را در عملیات خود.»

در ۱۱ نوامبر احزاب سریه [و مخفی] عراق بیان نامه ذیل را انتشار دادند. وزارت عراق مجدداً افتتاح دو حزب (وطنی و نصهت) را مقرر داشته و به وسیله این ترهات ۴۲ که از ناحیه وطن پرستان مصنوعی که آلت دست مستعمرین هستند ناشی شده می خواهد بار دیگر ملت

## مطالعات تاریخی

عراق را فریب دهد و انتخابات مجلس مؤسسان را اجرا نموده، تحصیل اکثریت کند و به مقاصد خود فایق آید. ولی لازم است به این نکته متوجه شوند که مادامی که وطنیون منفی بدون هیچ قید و شرطی مراجعت نکنند، هیچ یک از اهالی اقدام به افتتاح احزاب خود نخواهند کرد و تا موقعی که مطالب ذیل را که از آرزوهای حقیقی ملت است اجابت نکنند شرکت در انتخابات نخواهند نمود:

۱- تشکیل وزارت وطنیه به ریاست کسی که محل اعتماد ملت است.

۲- تشکیل وزارت خارجه.

۳- لغو معاهده انگلیس و قیمومیت وی به طور مصرح.

۴- تعویق انتخابات اقلأ تا مدت دو ماه بعد از اعاده تبعید شدگان و افتتاح احزاب و خارج شدن جراید از توقیف.

عموم طبقات عراق از علما و ادبا و تجار و زارعین بر این مسئله تصمیم گرفته اند.

کمیته عالی احزاب سرّیه عراق «

فعلاً موقعیت عراق خیلی باریک [و حساس] است و انگلیسها به وسائل مستقیم و غیرمستقیم سعی می کنند که علما را در مقابل فجایع خود مجبور به سکوت کنند ولی علما از تهدیدات آنها متوحش نشده با کمال شجاعت مقاومت می نمایند.

مقارن همین اوقات عده [ای] که از پیشرفت عملیات خود در عراق مأیوس شدند، برای نجات مملکت از چنگال انگلیسها به میل خود یا به حال تبعید و اجبار از عراق مهاجرت کرده، به ایران آمدند و در اینجا با نهایت جدیت مشغول کار شدند و شعبات عدیده تشکیل دادند و تمام این شعبات روابط واقعی با جمعیتهای عراق دارند و در ایران به سمت نمایندگی از طرف عراقیین اقداماتی کرده اند. از جمله تلگراف ذیل است که به تدریج به نقاط مختلفه مخابره کرده اند.

در ۲۳ عقرب [آبان] به دربارها و پارلمانهای جمیع دول و مجمع اتفاق ملل تلگراف ذیل مخابره شد:

«عموم ملت بین النهرین از مداخلات استقلال شکنانه دولت انگلیس در بین النهرین و از معاهده دهم تشرین اول ۱۹۲۲ که به هیچ وجه رسمیت ندارد، ابدأ تمکین نداشته، به هر گونه مداخلات غیرمشروعه انگلیس پرست می نماید و در خاتمه قطعاً اعلام می دارد که ملت بین النهرین در حفظ استقلال و رفع تعدیبات انگلیس و ابطال معاهده مشؤمه از هر گونه فداکاری خودداری نخواهد کرد.»

۳۱ قوس [آذر] به پارلمان انگلیس؛ کپیه دایلی هلارد، مریننگ پست تپرس، دایلی مایلی،

دایلی تلگراف ، تلگراف ذیل مخابره شد :

«عموم ملت بین النهرین از تخلف صریح دولت بریتانیا از مواعید صریحه دولت بریتانیا از مواعید صریحه در آزادی و استقلال تام عراق که مکرر به واسطه ابلاغات رسمیه در اول احتلال و بعد از آن به ملت اعلام نموده متنفر و از معاهده دهم تشرین [اول] ۱۹۲۲ که به هیچ وجه رسمیت نداشته ابداً تمکین نخواهد نمود و بر هر گونه مداخلات استقلال شکنانه دولت انگلیس پرتست می نماید که ملت بین النهرین در حفظ استقلال و رفع تعدیات آن دولت و ابطال معاهده مشثومه از هر گونه فداکاری خودداری نخواهد کرد.»

در ۱۰ قوس مکتوب ذیل به دولت ایران و پارلمان آن و سفرای دول که در ایران می باشند ، فرستاده شد .

«عین مضمون تلگراف فوق به اضافه مراتب فوق به دولت آن جناب تلگرافاً پیشنهاد شده و اینک هم به ذوات [اشخاص] محترم عالی اخطار می شود و مستدعی چنان است که محض خدمت به عالم انسانیت ، عین مطالب معروضه را خودتان تبلیغ فرمایید.»

در تاریخ فوق تلگرافی به همین مضمون به نمایندگان دولت علیه عثمانی در لوزان ، کپیه نمایندگان دولت شوروی روسیه مخابره شد .

در ۲۳ قوس ، مکتوب ذیل به بغداد برای جنرال قنسول بریتانیا مقیم عراق عرب فرستاده شد :

«خدمت جنرال قنسول سامی دولت بریتانیای کبیر مقیم عراق عرب

در حالی که ملت بین النهرین انتظار داشتند که دولت بریتانیا انجام وعده های صریحه رسمیه مکروه که قبل از حرب و در اثنا و بعد از آن ، در استقلال تام و آزادی آن ملت و مملکت داده بنماید و عهود رسمیه خود را محترم شمارد و هیچ گمان نمی کردند همچو دولتی وعود و عهودش بی اساس و تخلف پذیر باشد . علاوه بر اینکه قوه احتلالیه بریتانیه اکتفا به تخلف از مواعید صریحه نکرده عراقیین را در ضغط<sup>۴۳</sup> و فشار فوق الطاقه گذارده به حدی که آن فشار طاقت فرسا ملت را مجبور به حرب و اتلاف نفوس عزیزه گردانید و با آنکه در عراقیین در سبیل قبل استقلال تام و آزادی از قیود مطامع و استبداد و رقیت بریتانیا به انواع مصائب عظیمه از تلف اموال و نفوس و خلق اعتراض و ناموس و خانه خرابیها و اسیر و زجر و حبس دچار و به صدمات و محن فوق الطاقه گرفتار شد ، دست از مقصد مشروع خود نکشیده ، پیوسته در تعقیب مقصود بذل مجهود نمود . چه قوه احتلالیه آنها و سائل سیاسیه و حریبه مقاومت احساسات ملت نکرد<sup>۴۴</sup> بلکه بر جدیت و فداکاری ایشان افزود و از این مخاصمه و لجاج گناهمانی بزرگ و رسواییهای سترگ ناشی شد که به ذائقه آزادی خواهان بسیار تلخ و ناگوار و انسانیت از آن شرمسار است . البته انگلیس از بازیهای رنگارنگ چند ساله خود در عراق به خوبی امتحان کرده و بر او هویدا گردید

که هیچ چیز قانع نمی‌کند عراقیان را مگر استقلال تام و مقصودی ندارند جز آزادی و آرزویی ندارند غیر از استخلاص از چنگال مطامع طامعین و محال است که دسایس و حیل و یا مال و منال و یا قوای حریبه انگلیس میان آن ملت و مقصودش حایل و از وصول به استقلال تام مانع شود و این تجربیات قطعیه مساعی آن حکومت در محو استقلال عراق به اجرای معاهده مشنومه ۱۰ تشرین [اول] ۱۹۲۲ عبت است و نتیجه [ای] جز خسارت حکومت انگلیس و عراقین نخواهد داشت ولی چون عراقین دفاع از حقوق حقه و حیات خویش می‌نمایند در محکمه انسانیت و وجدان معذور بوده و آن دولت که در این آزادی‌کشی هیچ دایمی [داعی] <sup>۴۵</sup> جز طمع و حرص استعمار ندارد، در عالم تمدن ملوم <sup>۴۶</sup> و در صفحه روزگار مذموم و تبعات سوء این اقدامات متوجه او خواهد بود. قنسول محترم بریتانیای کبیر را به رعایت و حفظ نفوس عزیزه و خونهای پاک عراقین تذکر نمی‌دهیم چون ممکن است محل رأفت و شفقت ایشان نباشد ولی ایشان را به حفظ نفوس انگلیسهایی که به عراق سوق نموده و در راه مطامع استعمار آن دولت عبت تلف می‌شوند متوجه می‌سازیم و ایشان را خاطر نشان می‌نماییم که مادامی که آن دولت مصر به محو آزادی عراقین و غلبه بر آنهاست، خصومت برپا و مشاجره برقرار است و محال است که عراقیون از حقوق حقه خود گذشت نمایند و اقدامات استقلال شکنانه آن دولت جز خسارت و مزید تنفر اسلامیان عالم از آن حکومت نتیجه دیگر نخواهد داشت. این نصیحت نامه که کاملاً مطالبش بر قنسول سامی <sup>۴۷</sup> سابق بریتانیا مکشوف است و باعث ازدیاد علم نمی‌گردد. به جهت تهییج عواطف بشریه آن نماینده محترم و تعذوری خودمان در اقداماتی که در مقابل حق کشی آن دولت می‌نماییم، تقدیم شده معذور باشیم و لقد اعذر من انذر. <sup>۴۸</sup>»

در ۲۳ قوس، مکتوب ذیل جهت فیصل فرستاده شد. بعد از بیانیه [ای] که فیصل در تعقیب معاهده در عراق اشاعت داد:

«از طرف کمیته عالی مرکزی انجمن عراقی در ایران به صاحت [ساحت] جلاله فیصل: در جریده العراق مورخه ۲۱ صفر ۱۳۴۱ بیانیه ملاحظه شد که صاحب روزنامه آن را به شما نسبت داده و ممضی به امضای شما دانسته؛ در صورتی که اطمینان داریم که حمیت هاشمی شما مانع است از اینکه اقدام به چنین امری که پست‌ترین اعراب آن را برای خود ننگ و عار می‌داند، بنمایند. چگونه می‌توان این روزنامه را در ادعایش تصدیق کرد. در انتساب چنین بیانیه [ای] به شما در صورتی که از عبارات آن آثار سوء اخلاق هویدا بود، خیلی دور است که مثل شما که نتیجه بیت رسالت و ثمره شجره نبوت هستید اقدام به چنین معاهده و بیانیه [ای] بفرمایید و خود را در انظار لکه‌دار بفرمایید. ما می‌دانیم که شما از حوادث روزگار تجربیاتی حاصل نموده و می‌دانید که عالم اسلامی مهبای انتقام کشیدن هستند. از کسانی که بذل مساعی در خرابیها و

هلاکت ایشان می نمایند، پوشیده نیست که مثل این بیانیه لکه عاری است که به مرور زمان محو نخواهد شد و فضیحتی است که ننگ آن الی الابد باقی خواهد ماند بلکه کفری است به خدا و رسول و باعث خزی دنیا و آخرت و عذاب جاودانی خواهد بود.

آیا ممکن است کسی مثل شما با آن بزرگی و سیاست، اقدام برخزی [خواری] دنیا و عذاب آخرت بفرمایید. حاشا ثم حاشاک شما اقدام بر این بیانیه و معاهده مشئومه نمی کنید. مجد و شرف و دیانت و عرض و جمیع مقدسات عراقین را پایمال نمی کنید. آیا سعی شما در مقابل مواجب غیر قابلی که هر ماه می گیرید، ممکن است همه نوامیس مقدسه عراقین را به انگلیس بفروشید؟ هرگز چنین امری اتفاق نمی افتد. نسبت این بیانیه و معاهده بر شما صرف تهمت است. از جمله مطالب آن بیانیه است که در مقابل کسانی که سوء قصد و جلوگیری و اخلال به استقلال را دارند، قوه نظامی بریتانی هم دست و معاضد شما خواهند بود. اگر این مسئله واقعیت دارد، پس چرا قوای بریتانی آزادیخواهان را با کمال بی رحمی اعدام و جمعی را تبعید نمود و برخی را حبس و تحت فشار اشرار قرار داد و جمله کثیری از اهل عراق را به آلات ناریه آتشباران و هلاک نمود. شما کسی هستید که به عراقین عهد و اطمینان دادید و قسم یاد نمودید و وعده کردید که خیانت به آنها نفرمایید. چگونه می شود طمع انگلیس شما را وادار به مخالفت عهد و پیمان و خیانت با عراقین و اسلام بنماید. البته آن معاهده مشئومه از نظر شما گذشته، گمان می کنم عراقین را در اقدام بر آن معاهده گول بزنید یا اینکه انگلیسها شما را مثل آدم ابله کم عقل فریب دهند زیرا که در هر دو صورت ننگ و رسوایی برای شما خواهد بود. شما از ننگ و رسوایی منزه هستید.

ما معتقد هستیم که شما اطمینان دادید که عراقین نفوس زکیه خود را که در راه استقلال عراق بذل و هدف گلوله توپ و تفنگ آتشبار نموده فدای هوس استعمار انگلیس بنمایند. البته چنین مطلبی نخواهد شد. خونهای پاک عراقین در نزد آنها خیلی پر قیمت است. در مقابل هوا و هوس انگلیس فروخته نمی شود و پوشیده نیست که عراقین مصمم شده اند که یا مثل برادران خود به درجه شهادت واصل و یا به نعمت استقلال نایل شوند.

آیا حالت دلخراش زنهایی که به آلات ناریه<sup>۴۹</sup> انگلیس بیوه و بچه هایی که یتیم شده و ناله و آه مادرهای داغدیده و مردهای کمر خمیده و خانه های خراب و نفوسی که تلف شده باعث رقت شما نمی شوند؟

البته شما این قدر قسی القلب نیستید که بر همه این مظالم وارده بر عراقین صبر نموده و معاونت ظالم را بفرمایید و آنها را ترجیح بر قومی که شما را پناه داده و یاری نموده و به تاج و تخت رسانیده بدهید. گمان نمی رود که احتمال بدهید که قومی که آن همه تحمل مشقات و صدمات نموده به



دسایس انگلیس گول بخورد و محال است که در مقابل قوای قاهره آنها خاضع شود زیرا که اهل عراق مردمانی هستند، غیور و با صمیمیت که مردن با شرافت را بر زندگانی با ذلت ترجیح می‌دهند.

عراق یکی از مراکز بزرگ و محل ائمه اطهار است. عراقیین صاحب شرف اسلامی و عزت و صمیمیت دینیه هستند و می‌دانند که کفر و اسلام با هم جمع نمی‌شوند و عموم ملل تجربه کرده ملتفت شدند که انگلیس و اتباع او جز خدعه و فریب ملل و سلب آزادی آنها مقصودی ندارند. بنابراین چگونه ممکن است فریب دروغهای آنها را بخورند. شما اگر این بیانیه را برای فریب انگلیسها منتشر نموده‌اید، البته عراقیین با شما مساعد و موافق هستند و اگر این بیانیه از طرف انگلیسها برای فریب عراقیین منتشر شده، باید بدانند که عقل و دیانت عراقیین مانع است که فریب انگلیسها را بخورند و مقام آنها عالی تر از این است که مقهور سلطان جابر و مغلوب دشمن کافر بشوند.

والله یویدهم بنصره و ما النصر الا من عندالله العزیز العلیم»<sup>۵۰</sup>

در ۲۵ قوس توسط عصمت پاشا و چیچرین تلگراف ذیل به کنفرانس لوزان مخابره شد :

«حضور محترم نمایندگان دول و اعضای کنفرانس لوزان

معروض می‌دارد: از قرار اخبار آژانس رویتر<sup>۵۱</sup> عده [ای] به اسم نمایندگی آشوریه و کلدانیها پاره [ای] اظهارات غیرمنطقی و دعاوی بی‌اساس راجع به ذی حق بودن آنها نسبت به ولایت موصل، پیشنهاد آن کنفرانس محترم نموده و به تحریکات قوه احتلال عرض اندام می‌نمایند؛ فلهدا لازم دانست که خاطر آن ذوات محترم را به این نکته مهمه جلب نماید: مجموع آشوریه و کلدانیها نسبت به هر عنصری از عناصر ثلاثه سکنه موصل و مضافات آن به غایت قلیل و به قرار سرشماری اهالی بومی آن ولایات را تشکیل نمی‌دهند و از نقطه نظر تربیت و تمدن در مرتبه صفرند و چنانچه اوضاع و اطوار و ادوار عابره<sup>۵۲</sup> مدار تقسیمات سیاسی امروزه بشود، تغییرات عجیب و تبدلات غربی در نقشه کلیه ممالک اروپا و غالب قطعات آسیا روی داده و از جمله باید بغداد و مضافات آن هم به اعتبار مدائن به دولت فارس اعاده بشود و البته این معنی، موجب اختلال عظیمی در روی زمین خواهد بود. عجب تر این اظهار آنها است که ۶۰۰۰ نفر از آنها مسلحاً مشغول حفظ حدود مملکت هستند و حال آنکه در حقیقت بیش از هزار نفر نیستند که قوه احتلال هر آن قدر که ممکن بود از آنها مسلح نموده و تحت کماندانی ضباط<sup>۵۳</sup> خودشان تشکیل داده‌اند و می‌خواهند که آنها را آلت دست و وسیله استقرار غاصبانه خود قرار بدهند و الآن عده قلیلی با آن توحش و بی‌اهمیتی که دارند اهلیت تنبه<sup>۵۴</sup> و التفات به این معانی نداشته و ندارند و در جایی که قصه یهود فلسطین که مایه استحکام نفوذ و قوه احتلال بهانه تضییع حقوق اکثریت

اهالی آن حدود شده اسباب نهایت استعجاب و شگفت عالم تمدن بود. این قصه نوظهور و این زمزمه بی اساس، قوه احتلال از دهان این عنصر گم نام و از حیث عده و اعتبار اسمی بلامسمی هستند، بیشتر اسباب حیرت و تأثیر است. و در خاتمه به نام انسانیت از آن ذوات محترم استدعا و استرحام می شود که سامعه خودشان را به استماع این گونه مغالطات زحمت نداده و به این گونه نیرنگها و دسیسه های حق شکنانه قوه احتلال، ترتیب اثر نمایند.»

در ۲۷ قوس، شرح ذیل به دربارها و پارلمانهای دول تلگراف شده و هم به عنوان مکتوب فرستاده شد:

«به مناسبت اعلان معاهده مورخه دهم تشرین [اول] ۱۹۲۲ منعقد بین دولت انگلیس و امیر فیصل خاطر آن ذوات محترمه را به این نکته مهمه متوجه می سازد که احتلال بین النهرین از طرف قوای نظامی انگلیس بدو به عنوان آزادی و استقلال تام بوده و این مطلب را به واسطه نشریات و ابلاغات رسمیه مکرره به ملت بین النهرین و تمام ممالک دنیا اعلام کرده بود و بعد از احتلال به صدد اقناع حیات و محو حقوق ملت برآمده و به خیال استملاک و استعباد کامل بین النهرین افتاده در این باب تشبث به هر وسیله ممکنه و حتی به وسائل مزبوره کردید. ملت نجیب بین النهرین محض اثبات حیات و حفظ استقلال و کسر قیود عبودیت انگلیس بعد از احتیاجات ادبیه، قیام به مجاهدات غیورانه و به واسطه ثوره ۱۹۱۹ مطامع انگلیس را ابطال و حیات سیاسی خود را مدلل و ثابت نمودند تا اینکه حکومت انگلیس مجبور به اعتراف استقلال بین النهرین گردید و یک شکل حکومت دستوری به نام فیصل نجل ملک حجاز تشکیل داد و قیود و تسلیم به آن دولت مصنوعی، مقید و منوط به تمامیت حاکمیت ذاتی ملت بوده و چون ملت بین النهرین از دسائس و مکائد انگلیس هیچ وقت مطمئن نبوده و نخواهد بود. افعال و حرکات هیچ دولتی را همیشه به قید اعتبار و نظر احتیاط می نگریست تا اینکه اخیراً پرده از روی کار برداشته شده و به واسطه اعلان معاهده مشؤمه مذکوره مدلل شد که این دولت حاضره جز یک مؤسسه انگلیسی نبوده و دولت بریتانیا این هیئت را محض انتشار نفوذ و وسیله استملاک و استعباد بین النهرین بر ملت تحمیل نموده؛ چه پرواضح است که مفاد مواد آن معاهده جز سلب اقتدارات و گرفتن اختیارات و خلع ید و ابطال حقوق حاکمیت ملت نبوده از بسط سلطنت و توسعه<sup>۵۵</sup> مختاریت مطلقه و حکمرانی علی الاطلاق انگلیس در بین النهرین نیست؛<sup>۵۶</sup> فلهدا ملت نجیب عراق عرب آن ذوات محترمه و مجمع اتفاق ملل و تمام دول و ملل عالم متمدن را که خود را معرفی به طرفداری ملل ضعیفه نموده مستحضر می سازد که موافق قوانین مدنیه عالم رسمیت و قانونیت هر معاهده که با مملکت عراق عرب بسته شود، منوط و متوقف است بر اینکه قوه نظامی انگلیس بین النهرین را کاملاً تخلیه و نفوذ انگلیس بالمره قطع بشود و مجلس تشریعی

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

از وکلای حقیقی منتخب از طرف ملت تشکیل شود و به تصویب مجلس برساند والا به این حالت حالیه هر معاهده که با سرنیزه و به حبله و دسیسه انگلیس منعقد شده باشد به هیچ وجه رسمیت نداشته، ملت بین‌النهرین همچو معاهده [ای] نمی‌شناسد و خود را به ادای هر چه از غرامات حربیه تحمیل به آنها شود نمی‌داند و به نام بشریت و انسانیت و عدالت خواهی از آن ذوات محترمه و جمیع علاقه‌مندان به صلح عمومی تقاضا و استرحام می‌نماید که در اختلاص ملت بین‌النهرین از سلطه و نفوذ انگلیس اقدامات لازمه بنماید و در خاتمه عموم ملل عالم را تذکر می‌دهد مادام که انگلیس در بین‌النهرین بوده و سلطه و نفوذش در آنجا به هر اسم و رسم برقرار است استقرار صلح عمومی در عالم محال و امنیت عمومی در عالم مطلقاً مختل خواهد بود.»

در ۲۹ قوس، تلگراف ذیل توسط عصمت پاشا و چیچرین به کنفرانس لوزان مخابره شد:

«حضور محترم نمایندگان دول و اعضای کنفرانس لوزان

معروض می‌دارد: در این موقع که دو نفر جعفر پاشا عسکری و توفیق سويدی به اسم نمایندگی از طرف بین‌النهرین عازم لوزان شده و می‌خواهند در آن مجمع به نام اهالی بین‌النهرین اشتراک نمایند، لازم دانست که آن ذوات محترم را تذکر دهد که این دو شخص مزبور به هیچ وجه سمت رسمیت نداشته و ملت بین‌النهرین از نمایندگی آنها هیچ گونه اطلاعی ندارند، فقط قوه احتلال آنها را محض اجرای مقاصد خود اعزام داشته است. ما به نام اهالی بین‌النهرین نمایندگی آنها را جداً تکذیب می‌نماییم.»

در تاریخ غره [اول] جدی [دی] تلگراف ذیل به آنقوره<sup>۵۷</sup> مخابره شد:

«مصطفی کمال پاشا! تلگراف ذیل توسط ما به امضای ۵۶ نفر از رؤسای عراق رسیده عیناً مخابره می‌شود؛ توسط نمایندگان عالی بین‌النهرین. حضرت مصطفی کمال پاشا! ما که رؤسا و بزرگان اعیان عراق هستیم جهت آنکه [از] طرق مراسلات [و] مواصلات، بتوانیم مطالب و مقاصد خودمان را کاملاً بیان کنیم در مجلس لوزان مقطوع است، با کمال بی‌صبری از آن مجلس تقاضا می‌کنیم که در تعیین مقدرات عراق، آزای خود ملت عراق متبع شود. به شرط آنکه قبلاً رض این حکومت قاهر بنمایند که بتوانیم کاملاً مطالب خود را بیان کنیم. در خاتمه نمایندگی دو نفر جعفر پاشا و توفیق سويدی نام را در کنفرانس لوزان تکذیب کرده، تقاضا می‌کنیم که آنها را به این سمت نشناسند.»

نمایندگان عالی بین‌النهرین «

چون مجلس مقدس شورای ملی تصویب کرده بود که اسناد راجع به بین‌النهرین طبع شود، آن اسناد که مشتمل بر ۳۴ صفحه به همین خط است، توسط اداره مباشرت، تقدیم مجلس

مظالم انگلیس در بین النهرین

شورای ملی علی العجالة شده که به عنوان جزو اول محسوب دارند و بقیه اسناد هم که فرستاده می شود به عنوان ثانی جزو محسوب شود.

محل مهر (نمایندگان عالی بین النهرین)  
تاریخ طبع ۱۹ جوزا [خرداد] ۱۳۰۲»

مطبعة «مجلس»

### ملحقات

نمره ۱۴ - روز ۲ [یا] ۹ دلو [بهمن] ۱۳۰۲ تلگراف [به] ژنو

مجمع اتفاق ملل! نشریات رویترا راجع به تنفرت اهالی بین النهرین از دولت ترکیا [ترکیه] در باب موصل از دسایس انکلیز [انگلیس] و کذب محض است [و] اختلافی اختیاراً بین ملت بین النهرین و ترکیا جریان ندارد. ما به نام ملت بین النهرین از این دسایس و مداخلات استقلال شکنانه انگلیس اظهار تنفر نموده و اطمینان کامل داریم به اینکه بعد از رفع احتلال، هر قسم نظریاتی باشد با صمیمیت و اتحادی [که] در بین مسلمین هست حل خواهد شد.  
تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

۵۱

نمره ۱۷ - روز ۲۲ برج ثور [اردیبهشت] ۱۳۰۲ تلگراف [به] آنقره

حضرت غازی<sup>۵۸</sup> مصطفی کمال پاشا! کپیه ریاست مجلس ملی کبیر

احساسات اسلامیة اهالی عراق از بدو احتلال مشنوم تاکنون و تمایلات آنها به طرف مجلس کبیر، مکذّب تمام مدئیات [مدعیات] انگلیس است. بدبختانه در طی مذاکرات هیچ گونه اهتمامی<sup>۵۹</sup> راجع به قطع نفوذ انگلیس از قطر [منطقه] بین النهرین دیده نمی شود و این نه فقط موجب یأس سکان<sup>۶۰</sup> بلکه جرح عواطف مسلمین و توهین [به] مقدسات اسلام است و در خاتمه خاطر آن حضرت را متوجه می دارد که محال است اهل عراق به حکم انگلیس راضی باشند اگر چه هزاران واسطه مثل فیصل برای اعمال نفوذ خود قرار بدهند.

معمدالجمعیة - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

نمره ۱۸-۲۲ ثور [اردیبهشت] ۱۳۰۲ تلگراف [به] ژنو توسط سکرتر جمعیت مجمع اتفاق ملل

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

امروزه که صدای آزادی ملل ضعیفه، فضای عالم را پر کرده و هر قومی برای حفظ حیات و استقلال خود همه نوع مجاهدت می نماید، انگلیسها جداً در صدد توسعه استملاک و استعمار بوده و به استظهار مساعدت آن مجمع، چنگال غاصبانه خود را در مملکت بین‌النهرین فرو برده، همه نوع ظلم و تعدی و شکنجه و اجحاف را [به] اهالی ستمدیده وارد می آورد و البته این رویه مشئومه بر آن جنابان منکشف و بلکه در مرتبه ثانیه مستند به خود آن ذوات محترمه می باشد و این ننگ تاریخی علاوه بر اینکه دوسیه اعمال آن جنابان را سیاه می نماید، موجب اختلال و رفع سلم از عموم شرق بوده و [ناخوانا] عاید حال خود آنها و سبب تنفر و انزجار عالم بشریت خواهد بود.

معتمدالجمعیه - مهدی الحسنی  
تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۱۹ - تاریخ ۲۲ برج ثور ۱۳۰۲ تلگراف [به] لوزان توسط حضرت عصمت پاشا خدمت اعضای محترمه مؤتمر فجائع انگلیس! <sup>۱</sup> در بین‌النهرین خصوصاً اقدامات اخیر از قبیل بمباردمان جماعات و اتصال طیارات آتش فشان و هزاران مظالم دیگر از حد طاقت بشری خارج و معاهده غیر مشروع و استقلال کش که با فیصل عقد نموده موجب انزجار و تنفر عمومی و سبب سقوط کابینه و رفض انتخاب از طرف ملت گردید؛ فلذا محض استقرار سلم در شرق، تخلیه قوه جابره انگلیس و تعیین وضعیت آنجا را با ارجاع به آرای عموم خواستار و به نام ملت بین‌النهرین استرحام می نماید.

معتمدالجمعیه - مهدی الحسنی  
تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۲۰-۹ جوزا [خرداد] ۱۳۰۲ مکتوب به سلطان افغانستان در کابل شرف اندوز حضور مبارک ملازمان سکندر شأنِ اعلیٰ حضرتِ قدر قدرت، امیر امان الله خان پادشاه عموم افغانستان خلدالله ملکه و سلطانه! عواطف ملوکانه و عنایات شاهانه اعلیٰ حضرت همایونی نسبت به ملت اسلامی که در افتتاح مخابره تلگرافی مابین مملکت محروسه افغانستان و انگلستان بدو حال اسف اشتمال مظلومیت و مقهوریت کنونی مسلمین را موضوع مذاکره اعلیٰ حضرت با پادشاه انگلستان قرار داده و حضرتش را به حقوق مشروع مسلمین متذکر ساخته و به رعایت مقام و حیثیت ملی اسلامی توصیه فرموده بودند. عموم ملت اسلامی را متهیج و خوشوقت و به توجهات عالیه اعلیٰ حضرت مفتخر و مستظهر نمود. و ما به نام ملت

بین النهرین بالخصوص عرض تبریکات صمیمانه و تقدیم تشکرات خالصانه می نمایم و بر حسب مقام اسلام پناهی اعلی حضرت همایونی، وضعیت رقت انگیز فعلی عراق را به عرض حضور مبارک می رساند که امروزه آن قصر مقدس و آن صقع متبرک و مطاف مسلمین و مدفن ائمه هداة و مثنوی اولیای خدا و مقرر ضرایح رؤسای دین مبین به پامال سیاست حریصانه و رویه مستعمرانه انگلیس و لگدکوب عساکر ظالمانه آنها بوده، علاوه بر اینکه استقلال مملکت را متزلزل و حیات سیاسی یک مشت ملت ضعیفه اسلامی را محو می نماید، از هرگونه تعدیات و حشیانیه و حرکات بی رحمانه مضایقه نداشته، از قتل ابرار و نهب<sup>۶۲</sup> اموال و هتک اعراض<sup>۶۳</sup> و بمباردمان طیارات فروگذار نکرده بر مرد و زن رحم ننموده و بر صغیر و کبیر ابقا نمی نماید و مع ذلک در جواب تلگراف اعلی حضرت همایونی اظهار افتخار به صداقت هر ملت عدالت خواه نموده و دولت انگلیس را به نهایت عدالت پروری معرفی نموده و عقیده خلاف را سوء تفاهم و مستند به حرب عمومی دانسته اند. در حالی که صدای استغاثه عدالت خواهی ملت بین النهرین به آسمان بلند [شده] و فریاد مطالبه عدل و داد از هر گوشه قطر عراقی فضای عالم را پر کرده و در راه تحصیل شرافت ملی و حفظ حیات و موجودیت خود، متجاوز از پنجاه هزار نفوس اعزه خود را فدا کرده، در طریق استقلال از بذل جان و مال تا آخر مضایقه نداشته و برای اجرای عدالت از هرگونه اقدامی خودداری نخواهند کرد و معلوم است که مسئولیت اختلال سلم عام متوجه آن کسی است که شرافت ملی یک قومی را محو و غاصب حقوق آنها بشود و رجای واثق و غایت مأمول<sup>۶۴</sup> امت عراقیه آن است که اعلی حضرت همایونی به اقتضای اینکه ملجأ و غوث<sup>۶۵</sup> مسلمین هستند، داخل مفاوضات، در باب مطالب مشروع و ملت بین النهرین شده و مذاکرات را ادامه داده، مساعی جمیله در تطهیر آن اراضی مقدسه از لوث قشون انگلیس و قطع نفوذ و استیلای دولت بریتانیا مبذول، هر وسیله ممکنه را در استخلاص این ملت مظلومه از چنگال قاصبانه [غاصبانه] دولت مزبوره اتخاذ فرموده و این یک مشت ملت اسلامی را الی الابد قرین منت و رهین نعمت بفرمایند.

معتمد جمعیت - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

نمره ۲۱-۹ جوزا ۱۳۰۲ تلگراف [به] کابل سلطان افغان

حضور اعلی حضرت پادشاه افغانستان نصره الله! تلگراف اعلی حضرت پادشاه انگلستان در رعایت حقوق مغضوبه مسلمین موجب امتنان عموم گردید. به نام ملت بین النهرین تقدیم تشکرات نموده، توجهات شاهانه را به حال اسف اشتمال<sup>۶۶</sup> ملت عراقیه جلب می نماید. مدتی

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

است آن قطر مقدس پامال عساکر بریتانیا بوده علاوه بر محو حیات و تعقیب سیاست استعمار از قتل، نهب و هتک شعائر دین کوتاهی ندارد. در صورتی که پادشاه انگلستان در جواب اعلی حضرت خود را طرفدار عدالت می‌شمارد، ملت عراقیه با استغاثه عدالت خواهی امیدوار است، مذاکرات را ادامه داده و [برای] استخلاص آنها عنایات شاهانه می‌دول فرماید.

معتمد جمعیت - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۲۳ - ۹ جوزا ۱۳۰۲

تهران، متحدالمال به جراید اقدام، ایران، شفق، کار، کوشش، طوفان، پیکان، الحق، به عنوان تشکر از سلطان افغان

احساسات عالییه اسلامییه و عواطف ملوکانه سامیه اعلی حضرت پادشاه افغانستان خلدالله ملکه و سلطانه نسبت به ملل اسلامی خصوصاً در اولین تلگراف که به مناسبت فتح باب مخابرات بین مملکتین افغانستان و انگلستان دایر به توصیه در حق مسلمین مشهود گردید. باعث مزید تشکرات صمیمانه و ادعیه خالصانه عامه مسلمین شد؛ لهذا این جمعیت به نام ملت بین‌النهرین تشکرات و امتنان خود را به آن سده سنیه ملوکانه تقدیم می‌نماید.

معتمد جمعیت - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۲۴، ۲۵، ۲۶ - به تاریخ برج سرطان [تیر] ۱۳۰۲

متحدالمال به جریده ایران و جریده ستاره ایران و جریده اقدام تهران نوشته شد. مدیر جریده محترمه ایران دام توفیقه! مدیر جریده محترمه ستاره ایران دام توفیقه! مدیر جریده محترمه اقدام دام توفیقه!

چنانچه خاطر شریف مستحضر است که چون انگلیسها و اعوان ایشان چندی قبل در بین‌النهرین در صدد برآمده که مجلس دستوری تشکیل و از کسان و طرفداران خودشان برای وکالت تعیین و مقاصد مخالف اسلامیت و استقلال بین‌النهرین را به دست دوستان خود انجام دهند، حضرات آیات الله و حجج اسلام عتبات عالیات بعد از احساس تعدیات این مقصود مششوم، حکم صریح به تحریم انتخابات در بین‌النهرین فرمودند [فرمودند] و به برکت آن احکام مبارکه انتخابات تأخیر شد. اخیراً باز دسایس انگلیسها به جریان افتاده و تزریق لزوم انتخابات را در بین‌النهرین مشغول شدند. این است که حضرات آیات الله العظام و آقایان حجج اسلام باز



مظالم انگلیس در بین النهرین

حکم سابق خود را تجدید فرموده و مطابق صورت ذیل احکام مُبقیه صادر فرموده اند. بر حسب وظیفه تقاضا می کنیم که صورت احکام مبارکه را به جهت اطلاع عامه مسلمین در آن جریده شریفه درج فرمایید.

معتمد جمعیت — مهدی الحسنی  
تهران — نمایندگان عالی بین النهرین

بسم الله الرحمن الرحيم

انّا قد حکمنا بحرمة الدخول فی الانتخاب و لم يتغير [ال] حکم و لم يتبدل الامر كما كان .

۱۵ شهر شوال ۱۳۴۱

الاحقر ابوالحسن الاصفهانی الموسوی<sup>۶۷</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم قد حکمنا سابقاً بحرمة الدخول فی امر الانتخاب والاعانة فيه باي وجه كان على كل مسلم مؤمن بالله واليوم الآخر و هذا الحكم كما كان لم يتغير موضوعه و لم يتبدل .

۱۷ شوال ۱۳۴۱

الاحقر محمد حسين الغروي النائینی<sup>۶۸</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

نعم ما حکم به حجج الاسلام و آيات الله المَلِكِ العَلَمِ ماضٍ ، نافذٌ بل الراد عليهم راد على الله هو على حد الشرك بالله

الراجی محمد مهدی الكاظمی خالصی عفی عنه .<sup>۶۹</sup>

از طرف سایر حجج اسلامیه نیز احکام اکیده به مضمونهای فوق صادر و برای رعایت اختصار به طبع سه فتوای مذکور اکتفا شد.

روز پنجم ذی قعدة ۱۳۴۱

عده کثیر [ی] از عساکر انگلیسی خانه و مدرسه حضرت آیت الله خالصی را محاصره نمودند تا روز هشتم و دو آقا زاده ایشان حجت الاسلام آقای آقا شیخ علی و آقای آقا شیخ حسن را دستگیر و در بغداد حبس و توقیف نمودند و یک نفر نوه ده ساله حضرت معظم له آقای آقا شیخ علی نقی را نیز به بغداد برده و توقیف نمودند و تا شب دوازدهم ذی قعدة خانه حضرت معظم له محاصره بود و شب سیزدهم دو فوج دیگر عساکر انگلیس تمام شهر کاظمین علیهما السلام را

محاصره نمودند و تمام معابر و مساجد و صحن شریف تحت نظر و محاصره عساکر انگلیس بود و ساعت شش از شب گذشته خانه حضرت آیت الله معظم را شکسته و داخل شدند و حضرت معظم له با لباس خواب برای تحقیق قضیه درب خانه آمدند و حضرت معظم له را با همان لباس خواب دستگیر و با اتومبیل به [شهر] عدن تبعید نمودند. صبح سیزدهم چهل اتومبیل و چهل طیاره وارد کاظمین شد و عساکر انگلیس به زور سرنیزه و شلاق و ته تفنگ مردم را وادار نمودند که دکاکین خود را باز کنند و عده [ای] از اهالی به واسطه همین قضیه شهید و عده کثیر [ی] مجروح شدند و سد دجله را همان روز برداشتند که اطراف شهر کاظمین را آب گرفته و از دخول و خروج مردم از اطراف به شهر و از شهر به اطراف جلوگیری شده و یک نفر از کاظمین فوری برای اطلاع به آقایان علمای کربلا و نجف حرکت کرد و پس از ورود و اطلاع به آقایان، کلیه از نجف حرکت کردند و به سمت کربلا و در آنجا بگتتاً عساکر انگلیس وارد و صحن مطهر حضرت عباس (ع) و محاصره حضرت آیت الله آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حضرت آیت الله آقای آقا میرزا حسین نائینی و حجج اسلام آقای آقا میرزا علی شهرستانی و آقای حاجی میرزا احمد آیت الله زاده خراسانی و آقای آقا میرزا مهدی آیت الله زاده خراسانی و آقای آقا شیخ جواد صاحب جواهر و آقای آقا میرزا عبدالحسین آیت الله زاده شیرازی و آقای آقا سید عبدالحسین طباطبائی حجت و آقای آقا سید حسن طباطبائی حجت و بیست و پنج نفر دیگر از سایر آقایان علما و حجج اسلامیه را با اتومبیل به سمت بغداد از طریق غیر متعارفی حرکت دادند و آقایان را وارد خط آهن کردند و در آنجا یک شمند<sup>۷</sup> فوق العاده حاضر بوده فوری آقایان را به سمت ایران حرکت دادند و در تاریخ ۲۲ ذی قعدة ۱۳۴۱ آقایان وارد کرمانشاهان شدند و پس از این قضایا تمام نقاط ایران تعطیل عمومی شده و در تمام نقاط اظهار تنفر از مظالم انگلیس نمودند و از طرف نمایندگان عالی بین النهرین در تهران ورقه [ای] که صورت آن ذیلاً درج می شود، صادر و پرتستهایی که ذیلاً شرح داده می شود به عمل آمد.

#### فوق العاده لواء بین النهرین<sup>۷۱</sup>

البته عموم مسلمین از این مصیبت عظمی و فاجعه کبری که در ملت اسلامی سابقه ندارد اطلاع داشته و می دانند که دولت ظالمه جائره انگلیس در این موقع چه صدمه به عالم اسلامیت زده و چه لطمه بر حیثیت مسلمین وارد و چه رکنی از دیانت اسلامی منهدم و چه اساسی از مسلمین تخریب و چه حقی از حقوق مدنیه اسلامیه تضییع و چه قلبی از حضرت رسالت پناهی خون و جگر صاحب شریعت را کباب و دل اولیاء اسلام را مجروح و فؤاد ارواح مقدسه را پاره پاره [کرده] و چه ناله از قبر مبارک حضرت ختمی مرتبت بلند [است] و چه ضجه از ضرایح

متبرکه که عراق عرب به ملاء علی [اعلی] می‌رسد. این حادثه فجیعه که آخرین تیری است که در ترکش مظالم انگلیس بوده قلوب عامه مسلمین را نه به حدی جریحه دار نموده است که قابل التیام باشد. قبة<sup>۷۲</sup> الاسلام نجف را تخلیه و مصباح منیر هدایت را اطفاء و مشعل روحانیت را که از قرون سابقه به این طرف در آن قطر مقدس مشتعل و عالم اسلامیت را نورانی می‌ساخت، خاموش، جمیع آیات باهره الهی و حجج قاطعه اسلامی و مراجع تقلید و مراکز دیانت را به جرم اصدار یک فتوای مذهبی تبعید نمودند. بلی انگلیسها بعد از اینکه آن همه مصائب جان‌گداز و مظالم خانه برانداز و تزییقات و قتل زنان و اطفال و رعایای بی‌گناه و بیچاره و اسیر کردن و حبس نمودن علما و رؤسا و اخیار و اهانت [به] شعائر دین و توهین [به] مشاعر مذهبی و نهب اموال و سوزاندن مساکن مردم دیدند [ند] که ملت غیور بین النهرین از مقاصد اسلامی خودشان دست نکشیده و به آسانی طوق رقیق و عبودیت انگلیس را به گردن نخواهند گذاشت و صورت حکومت عربی را که محض استحکام استعمار و بلعیدن بین النهرین تشکیل داده است قبول نداشته و معاهده را که برای محو حیات قومیت عرب منعقد ساخته است نشناخته و امر انتخاب را که برای رسمی نمودن معاهده مشئومه صادر [شده] امتثال ننموده و محض اتباع احکام صریحه آیات الله حاضر برای تشکیل مجلس ملی نشدند، وجود مقدس آیات الله را یگانه مانع پیشرفت مقاصد اسلام بر باد ده خود دانسته و به عبارت آخری دیانت اسلامی را ضد سیاست ظالمانه خود دیده به مقام اجرای آخرین مقصد سوء خود برآمده اولاً خانه حضرت آیه الله خالصی را با قوه مسلحه محاصره و خود حضرت معظم له را با سه نفر صغیر دستگیر کرده و به کجا برده اند هنوز معلوم نیست و بعد حضرتین حاجتین آیتین آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقای آقا میرزا حسین نائینی و سایر حجج اسلام عتبات را شبانه اسیر و از راه بیراهه وارد سرحد ایران نموده اند. هیئت جامعه مسلمین در این موقع مهم و در این رزیه<sup>۷۳</sup> عظیمه که تاریخ عالم نظیرش را نشان نمی‌دهد، حتماً تکالیف اسلامی را ملتفت و وظایف دینی خود را متنبه و صدا به صدای استغاثه روح دیانت رسانیده و به مقتضای اسلامیت و لازمه دیانت عمل نمایند.

معتمد جمعیت - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

نمره ۲-۲ سرطان ۱۳۰۲ لندن اسکوت. م. پ؛ کپیه [رونوشت به] ماگدونال. م. پ؛ و نیوپول

پ. م

مأمورین بریتانیا در بین النهرین قناعت به مظالم چندین ساله که منافی با تمام نوامیس بشری و

## مصلحت‌مطالعات تاریخی

ناقص حقوق ملی است، نکرده رؤسای روحانی اسلام را به جرم وظیفه‌شناسی از بین‌النهرین تبعید و بعضی را اسیر نموده و به مقدس‌ترین ناموس دینت و ملیت مسلمانان لطمه وارد ساخته از این مظالم قلوب عموم مسلمانان جریحه‌دار این سیاست سوء دولت بریتانیا را به ضد دینت اسلام صریحاً معرفی می‌نماید. البته آن ذوات محترمه پارلمان را از شرح این مظالم متذکر و عدم رسمیت انتخاباتی که برای امضای معاهده با فیصل به قوت سرنیزه می‌شود خاطر نشان فرموده جلوگیری از این سیاست سوء را خواستگاریم والا عموم مسلمانان از هرگونه تشبث برای حفظ دینت خود معذور خواهند بود.

مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۳۱ - تاریخ ۲۲ سرطان ۱۳۰۲ تلگراف ژنو

توسط سکرتر؛ اعضای محترمه مجمع بین‌الملل

انگلیس به اسم حمایت ملل ضعیفه، چنگال غاصبانه خود را با تکیه [بر] رضایت مساعدت مجمع اتفاق ملل در بین‌النهرین فرو برده، علاوه بر مظالم وحشیانه چندین ساله، اخیراً محض اجرای انتخابات برای رسمی نمودن معاهده که با فیصل بسته، قاندين ملت را تبعید و تنکيل رؤسای مقدس روحانی اسلام را به جرم وظیفه‌شناسی تبعید و بعضی را اسیر و به مقدس‌ترین ناموس دینت و ملیت مسلمانان لطمه وارد ساخته؛ این است که به نام آزادی و حفظ حقوق ملل که اساس استناد آن مجمع است، تنفرات ملت بین‌النهرین و عدم رسمیت انتخابات که به قدرت سرنیزه عزم اجرای آن دارد، اظهار می‌داریم.

معتد جمعیت - مهدی الحسنی

تهران - نمایندگان عالی بین‌النهرین

نمره ۳۲ - تاریخ ۲۲ سرطان ۱۳۰۲

تلگراف [به] فرانسه دولت جمهوری فرانسه؛ کپیه پارلمان فرانسه؛ آلمان دولت جمهوری آلمان؛ کپیه پارلمان آلمان؛ آنقره مجلس ملی کبیر ترکیا؛ حضرت غازی مصطفی کمال پاشا؛ افغان دولت افغان؛ روسیه دولت شوریه جمهوری روسیه؛ آمریکا دول متحده آمریکا؛ کپیه پارلمان آمریکا؛ هلند دولت هلند؛ کپیه پارلمان هلند؛ اسپانیا دولت اسپانیا؛ کپیه پارلمان [اسپانیا]؛ مصر دولت مصر؛ ایتالیا دولت ایتالیا؛ ژاپون دولت ژاپون؛ بلژیک دولت بلژیک؛ کپیه پارلمان بلژیک؛

مظالم انگلیس در بین النهرین

در این عهد که عاطفه آزادی در قلوب تمام ملل جای گیر و در حفظ حقوق خود هرگونه فداکاری می نماید، دولت انگلیس دست از سیاست استعماری نکشیده، در محو حیات ملت بین النهرین از هر قسم مظالم مضایقه نمی نماید. اخیراً برای اجرای انتخابات محض رسمیت دادن به معاهده [ای] که با فیصل بسته رؤسای قوم را نفی، بالاخره شعائر مقدسه و مقام عالی روحانیت را هتک، علما و رؤسای مذهب را تبعید و بعضی را اسیر نموده است؛ لذا عواطف طرفداران آزادی ملل را به عدم رسمیت انتخاباتی که با سرنیزه می شود، متوجه و رفع این مظالم را خواستار [شده] و بر فجایع ظالمانه انگلیس تمام ملت بین النهرین پروتست می نماید.

معتمد جمعیت - مهدی الحسنی

نمایندگان عالی بین النهرین

نمره ۳۳ - تاریخ ۲۴ برج سرطان ۱۳۰۲

وزیر خارجه دولت علیّه ایران!

مکتوب متحدالمآل به سفرای مقیم تهران: آمریکا، فرانسه، ایتالیا، روسیه، ترکیا، افغان، هلند، بلژیک، آلمان، وزارت امور خارجه ایران.

خدمت نماینده محترم دولت فخریه...!

دولت استعماری انگلیس که همیشه طمع و حرص جهانگیری را به اسم حمایت ملل ضعیفه توسعه داده است، برخلاف اصل آزادی ملل دست غاصبانه خویش را روی استقلال بین النهرین گذارده اخیراً محض اجبار ملت به قبول معاهده نامشروع انگلیس و فیصل، قانندین ملت را سرکوب و تبعید و تمام حقوق ملیّه آنها را پایمال ساخته است و هر قدر بر شدت فشار مادی جابرانه افزودند به عکس انتظار بر ثبات و فداکاری ملت افزوده گردید. آخرین چاره را اعدام اساسی دیانت که تکیه گاه اعظم ملت است قرار داده، به توهین مقام مقدس روحانیت پرداخته، تمام پیشوایان روحانی را که مرجع عموم مسلمانان هستند اسیر و از امکانه [ای] که مرکز دیانت و روحانیت اسلامیّه است اخراج و یک نفر از روحانیون بزرگ را که طرف تکریم و احترام عموم ملت است با اطفال کوچک در گرمسیری که اقامت آن مهلک است در حبس و شکنجه گذارده است. فلهدذا فجایع وحشیانه انگلیس را به عالم انسانیت عرضه داشته و عدم رسمیت انتخاباتی را که به قوه سرنیزه عزم اجرای آن را دارد، اظهار و بر این تعدیات ظالمانه به نام ملت بین النهرین پروتست می نمایم. در خاتمه جداً تقاضا می نمایم که مراتب معروضه را به فوریت به دولت متبوعه خود اطلاع بدهید.

معمد جمعیت - مهدی الحسنی  
تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

نمره ۳۴ - ۲۷ برج سرطان

صور تلگراف به مسلمین هند مخابره شد.

دولت ظالمه انگلیس علاوه بر مظالم چندین ساله در بین النهرین از قبیل چهل و پنج روز محاصره نجف اشرف و اتلاف نفوس زکیه و بمباردمان قبه مطهره مرتضوی و آتش زدن معتکفین مسجد جامع کوفه به آتش طیارات و حبس رؤسا و اعدام مسلمانان و سوزاندن خانه و آشیانه اهالی و هتک اعراض و اتلاف نفوس بیچارگان حتی نسا و اطفال، اخیراً در شب ۱۲ ذی قعدة به صدد قلع و قمع حوزه اسلامی برآمده، تمام حجج اسلام و مراجع تقلید را به جرم فتوای دینی دستگیر، بعضی را در خارج عراق حبس و بعضی را از سرحد اخراج، مرکز روحانیت اسلام را منهدم، جامعه دیانت را منعدم، روح اسلامیت را متألم، قلب حضرت رسالت را مجروح، تمام اسلامیان را از این فاجعه افسرده و متهیج ساخته، مسلمین هندوستان آنچه تکلیف دارند عمل نمایند.

۶۰

معمد جمعیت - مهدی الحسنی  
تهران - نمایندگان عالی بین النهرین

بالاخره در نتیجه اشتداد تنفر و تهییج غضب عامه و تواتر تلگرافات نفرت آمیز و اعتراضات شدیداللحن از تمام نقاط (ایران)، سفیر انگلیس مقیم تهران، داوطلب شد که قضیه را حل نماید و مشارالیه به وسیله چند آبرویپلان<sup>۷۴</sup> که برای حرکت وی تخصیص داده شده بود به طرف عراق عرب حرکت و پس از چند روز مراجعت [کرد] و اظهار داشت که (دوبس) کمیسر عالی بین النهرین می گوید که علت تبعید حضرت آیت الله خالصی این بوده که حضرت معظم [له] علاوه بر حکم تحریم انتخابات در صدد خلع فیصل بوده و خود سفیر نیز از مداخله در قضیه امتناع نمود و این اظهارات بر غضب مردم افزوده تجمعات زیاد و سرتاسر ایران را احساسات ضدانگلیس فرا گرفته و در تمام نقاط جداً تعطیل عمومی شد و آقایان علمای معتمدین از کرمانشاه حرکت فرموده و تا ورود به قم متوجه هر جا که می شدند اهالی عموماً از مرد و زن کوچک و بزرگ تا چند فرسخ استقبال کرده و مصر بودند که فتوایی از طرف آقایان صادر شود تا در اجرای آن با مال و جان و تمام قوا و حیثیات خود کوشش کنند و به تاریخ ۲۶ ذی حجه ۱۳۴۱ در مرکز نمایش مهمی داده شد.

ورقه [روزنامه] فوق‌العاده که در آن تاریخ منتشر شده و ذیلاً درج می‌شود، کیفیت آن را شرح داده است.

### ضمیمه جریده ستاره ایران

این اوقات که مظالم و فجایع انگلیسها برای محو عالم اسلام به دست اندازی به مقامات دیانت و سلب مرکزیت روحانیت از اماکن مقدسه و تبعید و اسارت مراجع تقلید بالصرحه واضح و علنی گشته، عموم مسلمین ایران بر حسب وظیفه اسلامیت که دیگر نمی‌توانستند خودداری و تحمل نمایند، مجالس و اجتماعات متعدده تشکیل و ناچار از هرگونه اقدامات مقتضیه شده از جمله جمعی از تجار و اصناف و سایر طبقات مختلفه در بیست و پنجم شهر ذی‌حجه ۱۳۴۱ تصمیم گرفتند که فردای آن روز در مسجد سلطانی اجتماع کرده لوایح اعتراض و تنفر از مظالم انگلیسها تهیه نموده و به سفارت‌خانه‌های دول متحابه<sup>۷۵</sup> با هیئت اجتماع بدهند. صبح آن روز در حالی که نوامیس و عیالات مردم غالباً در پشت بامها و شاید از شدت گرما مکشفات‌الوجه<sup>۷۶</sup> خوابیده و آرمیده بودند، دفعتاً آیروپلان انگلیسها به خلاف قوانین مقدسه مملکت و حقوق بین‌الملل و رعایت اصول انسانیت که حتی می‌توان گفت از یک دولتی وحشی هم چنین اقدامی شایسته نبود، محض اهانت کردن و بازداشتن اهالی از اقدامات حقه و مظلومانه خود در ارتفاع بسیار کمی قریب یک ساعت در تمام شهر نمایش داده بر خلاف توهمات آنها ملت عصبانی تر گردیده، در موعد معین متجاوز از ده هزار نفر در مسجد سلطانی جمع در دو ساعت و نیم به غروب در حالی که بیرقهای سیاه بزرگ و کوچک در دست داشتند با یک نظم و نسق قابل توجه حرکت نموده در بین راه هم دستجات متعدد ملحق شده در خیابان ناصریه و میدان توپخانه داخل خیابان «علاءالدوله» گشته در سفارت‌خانه محترم بلژیک یک نفر از تجار لایحه اعتراضیه را با صدای بلند قرائت و تسلیم سفارت‌خانه مزبور نموده و در سفارت‌خانه‌های محترم آلمان و عثمانی همین طور لوایح قرائت و تقدیم گشته و از خیابان اسلامبول به خیابان سعدی و چهارراه سید علی، از دروازه دولت خارج و به سفارت‌خانه محترم آمریکا که جمعیت در آنجا متجاوز از سی هزار شده بود رفته و لایحه قرائت و تقدیم شد و از آنجا از دروازه جدید داخل شهر در پشت سفارت انگلیس در حالی که عموماً محض ابراز تنفر سکوت آمیز روی خود را برگردانیده بودند عبور نموده و به سفارت‌خانه محترم روس رفته لایحه قرائت و تقدیم شده از آنجا به سفارت‌خانه‌های محترم هلند و فرانسه و ایتالیا و افغانستان رفته لوایح قرائت و تقدیم نموده از آنجا هم با همان نظم و سکوت که داشتند از بازارچه قوام‌الدوله به طرف مسجد سلطانی حرکت و نظر به آنکه این همه سکوت سینه‌ها را تنگ کرده



بود در حین ورود به مسجد سلطانی با صداهای بلند الله اکبر سینه‌های خود را خالی و حضرت آقای آیت الله زاده خالصی که آنجا بودند به منبر تشریف برده از حسن انتظام ملت قدرشناسی و متشکر شده و بعد جمعیت متفرق شدند.

### عین لایحه متحدالمآل اعتراضیه

در موقعی که جنگ عمومی روح بشریت را جریحه دار و طرفداران عالم انسانیت را در پنجه خون‌ریزی عالم که متوجه به اقامه صلح عمومی و آزادی ملل و دول دنیا ساخته و با آن همه فداکاریهای ملت بین‌النهرین مأمورین بریتانیا برخلاف مواعید خود به آن ملت قدیم که در بدو امر داده بود، بر مظالم و حق‌کشی دیرینه خود افزوده، حق آزادی فکر و رأی را از آن ملت به کلی سلب و در تحت فشارهای گوناگون آنها را مجبور به اسارت و اقرار به عبودیت خود می‌نماید و بالاخره در غصب حقوق سیاسی آنها تجاوز کرده به حقوق دینی که در تمام عالم آزاد و مصون از هرگونه تعرضات است، دست انداخته، مقام مقدس روحانیت اسلام را به جرم ادای وظیفه دینی دست خوش مظالم خویش قرار داده، هتک احترام اعتبار<sup>۷۷</sup> مقدسه مسلمین را نموده و رؤسای اسلام را تبعید و بعضی را اسیر و قلوب عموم مسلمانان عالم را جریحه دار نموده؛ نظر به مراتب فوق (ما ملت ایران) روح حق‌شناسی ملت و دولت معظم... به توسط جناب جلالت مآب وزیر مختار آن دولت مخاطب ساخته تنفرت خود را از این مظالم حق‌شکنانه اظهار می‌داریم و متمنی هستیم که این تنفر ما را به ملت و دولت متبوعه خود ابلاغ بدارند.

۶۲

\* \* \*

پس از انجام این نمایش مهم ملی، نظر به تصادف با ماه محرم و ایام مصیبت در مجالس سوگواری فاجعه اخیر بین‌النهرین موضوع تعزیه‌داری واقع شده، ذاکرین و وعاظ در منابر و مجالس مصائب وارده بر قبر شریف حضرت علی بن ابیطالب (ع) و حضرت سیدالشهداء و سایر مراقد و مقامات مقدسه بین‌النهرین را متذکر شده فریاد شکوی و تظلم از مظالم بریتانیا محیط را پر ساخته و امسال بالخصوص عزاداری به شکل مخصوص در جریان است و در تاریخ ۱۲ محرم ۱۳۴۲ یک نمایش مهم تاریخی که ورقه فوق‌العاده منتشره در همان تاریخ کیفیت آن را تشریح نموده است اجرا شد. این است که مقدمه<sup>۷۸</sup> فوق‌العاده مذکور عیناً و لایحه تقدیمیه به مجلس شورای ملی که در ذیل آن مندرج است به طور خلاصه درج می‌شود.

### ضمیمه شفق سرخ

#### یک نمایش ملی تاریخی

بر حسب اطلاعی که قبلاً از طرف مجتبعین مسجد شاه به مجامع تعزیه داری آقایان محترم تجار و اصناف داده شده بود، تعزیه داران کلیه مجامع تهران با بیرقهای سیاه در یوم ۱۲ محرم جاری ۱۳۴۲ در مسجد سلطانی حاضر و از آنجا تخمیناً سه و نیم قبل از ظهر با بیرق سیاه ساده که حامل آن در جلو جمعیت حضرت آیت الله یزدی بودند مجتمعاً با شرکت جمعیت کثیری از عموم طبقات در کمال نظم و متانت و شکوه فوق العاده با سرودن مرثیه [ای] که متضمن مصائب و فجایع وارده بر ائمه اطهار علیهم السلام و مراقد مطهره و نواب و مجاورین قبر آنها و ذکر مظالم انگلیس بود حرکت کرده و از درب طرف مسجد جامع به چهارسوق بزرگ و کوچک و بازار بزازها و کنار خندق و خیابان ناصریه [ناصر خسرو فعلی] و لاله زار و شاه آباد و بالاخره با جمعیتی که متجاوز از چهل هزار نفر بودند یک قسمت از آنها (یعنی تا آن اندازه که فضای دو طرف عمارت بهارستان گنجایش داشت) وارد مجلس شورای ملی و لایحه ذیل را آقای ملک المحققین که برای قرائت آن معین شده بودند در کمال طلاقت، قرائت و از طرف جمعیت تسلیم اداره مباشرت مجلس شورای ملی شد. سپس جمعیت از مجلس حرکت و با همان انتظام از مقابل مدرسه ناصری (سپهسالار جدید) به بازار پامنار و مروی و مقابل شمس العماره و بازار کنار خندق و از درب بازار بزازها تکبیرگویان به مسجد شاه عودت نموده و از طرف حضرت آیت الله زاده خالصی نطق مؤثری مشعر بر تشکر از احساسات عمومی و خورسندی و امیدواری از اهمیت و عظمت این اقدام ملی ایراد و تقریباً یک ساعت بعد از ظهر جمعیت متفرق شدند. لایحه مذکوره مصدر به نام خدا و در تحت عنوان «یک محرم دو عاشورا» و مشعر بود بر یک مقدمه در شرح مظالم و حرکات خصمانه و شقاوت کارانه دولت انگلیس نسبت به عالم اسلامی مخصوصاً قطعه مقدسه بین‌النهرین و اظهار تأثر و تبری و تنفر از رویه مشؤومه مأمورین جائره انگلیس نسبت به روحانیت اسلام و تبعید علمای اعلام و قائلدین مسلمانان از مقامات مقدسه دینی و تقاضای جبران این فاجعه عظمی از اعلی حضرت همایونی و هیئت محترم دولت و مجلس شورای ملی و در خاتمه از اداره مباشرت مجلس تقاضا شده بود که عین اظهارات را به سمع نمایندگان آتیه برسانند.

علاوه بر مراتب مذکوره، اقدامات مهمه زیاد دیگر نیز شده که نظر به نشر قسمت اعظم آن در جراید برای احتراز از طول کلام از تکرار آن صرف نظر می شود.

از آن تاریخ به بعد هم روز به روز بر تنفرت و تعرضات و تجمعات ملت افزوده، اجتماع مسجد شاه تهران روز به روز بر اهمیت و عظمت خود می افزاید و خوشبختانه در نتیجه ابراز

احساسات از طرف ملت ایران و جدیت و پافشاری اهالی که در مسجد شاه تمرکز یافته و اقدامات حکومت ایران، بندگان حضرت مستطاب آیت الله الحاج شیخ مهدی خالصی دامت برکاته پس از زیارت بیت الله الحرام از طرف خلیج فارس متوجه ایران شده و جهاز آذربایجان از طرف دولت ایران به استقبال ایشان رفته و در تاریخ یکشنبه ۱۸ صفر ۱۳۴۲ با آقازادگان و منسوبین و آقایان حجاجی که در خدمت ایشان بودند به بندر بوشهر نزول اجلال فرموده و از طرف عموم طبقات از عشایر و سکنه دهات و اهالی بوشهر قاطباً از تجار و اصناف و اعضای ادارات و مدارس قدیمه و جدیده و سایر طبقات استقبال و پذیرایی شایانی به عمل آمده و از بندر... به منزل در تمام نقاط قربانیهای زیادی شده در میان احساسات با یک شکوه و جلالت فوق العاده غیرقابل وصفی در عمارت امیریه بوشهر ورود فرموده و از طرف دولت و ملت از ایشان پذیرائی می شود و عموم ملت ایران این موهبت عظمی را مغتنم شمرده و تبریکات صمیمانه خود را تقدیم حضور انورشان داشته و این کتابچه را برای قدوم مبارک ایشان نشر می دهند.

مادامی که این فاجعه عظیم النظیر کما هو حقّه<sup>۷۹</sup> کاملاً جبران نشود ممکن نیست امت اسلام، بالخصوص ملت ایران، ساکت بمانند و در صورت ادامه این حرکت و حشیانه از طرف انگلیس ظالم نسبت به عالم اسلامی و خاتمه ندادن به مداخلات و تجاوزات حق شکنانه، بیم آن می رود که منتهی به قضایایی شود که سیاستمداران لندن از عهده بار مسئولیت او نتوانند برآیند.  
(اتحاد اسلام)<sup>۸۰</sup>

\* ( نظر باینکه ) \*

خارج طبع ملحقات بر میزانی که برای طبع  
اصل کتاب تهیه شده بود اضافه  
گردیده لذا برای هر جلدی

یگقران

قیمت تعیین می شود که جبران  
اضافه خارج را نماید

خوانندگان محترم اگر اشتباهاتی در  
طبع ملاحظه نمایند اصلاح خواهند فرمود

پانوشته‌ها

- ۱- مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهارم، قسمت سوم، تهران، اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۳ش، ص ۱۵۵۵ - ۱۵۶۳؛ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش، صص ۲۷۵ و ۳۵۲ - ۳۵۶.
- ۲- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، قسمت سوم، ص ۱۶۴۰.
- ۳- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ش، ص ۷.
- ۴- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، کمال، ۱۳۶۳ش، صص ۴۸-۴۹.
- ۵- احمد قوام السلطنه، که هنگام حضور در جلسه روز ۲۷ دی ۱۳۰۱ مدت زیادی از ریاست‌الوزرای اش سپری نمی‌شد، شایعه تصدیق قیمومیت انگلستان بر بین‌النهرین را از سوی دولت ایران تکذیب نمود. قوام السلطنه حدود پانزده روز بعد، از مقام خود برکنار و میرزا حسن خان مستوفی الممالک (مستوفی) به جای وی به رئیس‌الوزرای منصوب گردید. چندی بعد قوام بار دیگر در مجلس شورای ملی حاضر شد و به دلیل مقالات و اعتراضاتی که جراید روز از دوران ریاست‌الوزرای او، بویژه درباره شایعه تصدیق قیمومیت انگلیس به بین‌النهرین از سوی دولت وی، انتشار می‌دادند، سخن رانی کرد. او در جلسه ۲۵ دلو (بهمن) ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی - چند روز بعد از برکناری از ریاست‌الوزرای - ضمن اشاره به مذاکرات مجلس و چگونگی تکذیب شایعه مزبور، از تلگرافی نام می‌برد که یکی از روزنامه‌ها آن را مجعول کرده، با استناد به یک قرارداد پستی یا گمرکی میان دولت ایران و حکومت جدید عراق در زمان رئیس‌الوزرای او، تکذیب دولت قوام را فرمالیته و ساختگی قلمداد نموده است. قوام در پاسخ به این ادعای روزنامه‌ها گفت: «بنده لازم دانستم که صراحتاً به آقایان عرض کنم که به هیچ وجه تصدیقی از قیمومیت انگلیس در بین‌النهرین نشده است. حتی در دو کابینه من چه در دفعه اول و چه در دفعه ثانی بالصراحتاً در کمال تأکید به مأمورین ایران تلگراف کردم و دستور دادم که هیچ‌گونه حق دخالتی به مأمورین انگلیس نسبت به امور داخلی بین‌النهرین ندهند و دوسیه و آرشیو وزارت خارجه هم حاکی از این قضیه است و ممکن است به نظر آقایان برسد.» (ر. ک: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، قسمت سوم، ص ۱۶۵۱).
- ۶- جمعی از علما و مراجع آن زمان، که در عراق مستقر بودند و بعد از مدتی، تعدادی از آنان تبعید شدند، کمیته‌ای را به نام «جمعیت عالی نمایندگان بین‌النهرین» تشکیل دادند که از طریق صدور و انتشار اعلامیه‌هایی، با اشغال و ادعای قیمومیت توسط دولت انگلیس مخالفت می‌نمودند. این جمعیت تا قبل از شروع سال ۱۳۰۲ش شکل گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد. از جمله امتیاز نشریه لواء بین‌النهرین یا لواء النهرین را به دست آوردند که از آن شش شماره بیشتر منتشر نشد و روزنامه اتحاد اسلام به جای آن انتشار یافت. از تعداد و نام اعضای این جمعیت آگاهی دقیقی و روشنی در دست نیست اما می‌توان از اعضای برجسته آن نام حجت‌الاسلام زاده صدر، شیخ محمد خالصی زاده، ابراهیم حلمی افندی و آیت‌الله شیخ مهدی خالصی را برشمرد که از میان آنان شیخ مهدی خالصی به عنوان معتمد جمعیت، پای اعلامیه‌ها را امضا می‌کرد.
- ۷- حوادث مؤلمه: رویدادهای دردناک و تلخ.
- ۸- احتلال: اشغال
- ۹- شریف: به کسی گفته می‌شد که سمت سیادت و ریاست قبیله یا شهر یا منطقه‌ای را برعهده داشت.
- ۱۰- انگلستان در صدد بود حکومت سلطنتی مشروطه، تحت نظر خود، در عراق تشکیل دهد. بنابراین باید پادشاهی برای عراق انتخاب می‌شد. آرنولد ویلسون، نخستین کسی بود که امیر فیصل، یکی از فرزندان حسین شریف مکه، را برای پادشاهی عراق در نظر گرفت و بعد از واقعه اخراج امیر فیصل از سوریه، در ۳ جولای ۱۹۲۰، طی تلگرامی به لندن، وی را برای مسند پادشاهی در عراق پیشنهاد کرد. دولت انگلستان هم در اطراف این پیشنهاد بررسی نمود و لرد کرزن، وزیر خارجه وقت انگلستان در ۱۱ نوامبر، نامه‌ای به محل اقامت امیر فیصل در ایتالیا ارسال کرده، وی را برای مذاکره به لندن



## مظالم انگلیس در بین النهرین

فراخواند. فیصل به لندن رفت و پیشنهاد پادشاهی عراق به طور سر بسته با او مطرح شد. سپس در ۷ ژانویه ۱۹۲۱ کرزن فردی به نام میجر کورنوالیس را نزد فیصل فرستاد تا مسئله را صریحاً با وی در میان گذارد. هر چند پیشنهاد پادشاهی به او با دو شرط همراه بود: الف) قبول ادامه سیستم قیمومیت انگلستان بر عراق؛ ب) عدم ادامه دادن به نبرد و معارضه مسلحانه علیه دولت فرانسه در سوریه.

فیصل نیز به شرط اینکه برادرش امیر عبدالله با رضایت از پادشاهی دست بردارد، این پیشنهاد را پذیرفت. ۱۱- ژنرال مود در ابتدای جنگ جهانی اول، گردانی از قوای انگلیس را در فرانسه فرماندهی می کرد و یک بار نیز شدیداً مجروح شد. وی در درگیریهای تنگه دار داندل نیز شرکت داشت و بعد به عراق اعزام شد و در حملات محاصره کوت شرکت کرد. او به علت شجاعتهایی که در نبردها از خود نشان می داد، مرتباً درجه می گرفت تا اینکه به فرماندهی قوای انگلیس در بغداد رسید. در ۱۹ مارس ۱۹۱۷ بیانیه ای خطاب به اهالی بغداد صادر کرد که در آن آمده بود: «انگلیسیها به عنوان نیروهای آزادی بخش و پیروز، داخل عراق شده اند. آنها تمایلی به تحمیل رژیمهای بیگانه بر عراق ندارند و لازم است اشراف و نمایندگان بغداد در اداره منافع و مصالح خود شرکت نمایند.» پس از او ژنرال ویلیام مارشال، فرماندهی نیروهای انگلیس را در عراق به عهده گرفت. (ر. ک: الوردی، علی، لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحديث، ج ۴، ص ۳۱۵؛ ابراهیمی، عبدالحلیم، تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، ص ۱۸۳).

۱۲- اتراک: ترکها، عثمانیها.

۱۳- کوکس یا سرپرسی زکریاکاکس Serpersi Zakeraya Cox (۱۸۶۴-۱۹۳۷ م): سر باز و مأمور انگلیسی که در سالهای ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۴ م قنصل و عامل سیاسی بریتانیا در مسقط شد. در ۱۹۱۴ م با آغاز جنگ جهانی اول به عنوان سرافسر نیروهای نظامی به هند رفت که تا پایان جنگ (۱۹۱۸ م) در آن ناحیه بود. سپس تا ۱۹۲۰ م کفیل وزارت مختار بریتانیا در ایران بود تا آنکه در همان سال فرماندار عالی بین النهرین شد. او در اول اکتبر ۱۹۲۰ وارد عراق شد و در میان مردم چنین شایع شد که کاکس برخلاف ویلسون، آدم منصفی است و خواهان اعطای حقوق مردم عراق است. حتی سیدمحمدعلی هبه‌الدین شهرستانی به وی نامه ای فرستاد و ضمن خیرمقدم گویی، نوشت که ویلسون رفتار خشن و غیرعادلانه‌ای با مردم عراق داشت. بنابراین از کاکس خواست که به خواسته‌های مردم عراق در راه کسب استقلال پاسخ مثبت دهد.

۱۴- آیت الله محمدتقی شیرازی (۱۲۷۰-۱۳۳۸ ق): مشهور به میرزای مجدد شیرازی. او فرزند محب علی و نوه محمدعلی گلشن شیرازی است که در جوانی به کربلا هجرت نمود و از محضر علمای بزرگ آنجا، همچون شیخ محمدحسین اردکانی و سیدعلی نقی طباطبائی بهره جست. سپس به سامرا کوچید و در حوزه درس میرزا محمدحسن شیرازی، مشهور به میرزای بزرگ شیرازی، حاضر شد. پس از درگذشت میرزای شیرازی (۱۳۱۲ ق) به کربلا بازگشت و زعامت دینی و سیاسی یافت.

مرجعیت عامه او با اوضاع آشفته جهان و جنبش مردم عراق علیه استعمار انگلیس هم زمان گردید که رهبری و فعالیت وی، بویژه صدور فتوی حرام دانستن تسلط بیگانگان بر مسلمانان، معروف و زبانزد عام و خاص است. پس از او آیت الله فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی رهبری سیاسی انقلاب عراق را به دست گرفت.

۱۵- کلنل ویلسون، نایب کمیسر عالی دولت بریتانیا در عراق، که در برنامه نظرخواهی و انتخابات عراق نقش داشت و در اکتبر ۱۹۲۰ جای خود را به سرپرسی کاکس داد.

۱۶- مازور نوربریس: رئیس قوای نظامی نجف.

۱۷- مازور بولی یا پولی: حاکم شهر نجف.

۱۸- اعراض: آبروها و نوامیس.

۱۹- هنگام: جزیره هنگام یا هنگام، امروزه از شهرستانهای بندرعباس است که در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی قشم واقع

است.

این جزیره زمانی به اشغال پرتغالیها درآمد و آنها در آن قلعه و پایگاه نظامی ساختند. در زمان شاه عباس اول صفوی به دستیاری نیروی دریایی انگلیس، از پرتغالیها مسترد شد و تا ۱۳۱۳ش که نیروی دریایی ایران تأسیس گردید از پایگاههای دریایی انگلستان بود. هوای آن گرم و مرطوب است و دارای ارتفاعات پست آهکی است که بیشتر از آن برای تبعیدگاه استفاده می شد.

۲۰- احتجاجات ادبیه: دلایل مبتنی بر ادبیات سیاسی روز، دلایل قانونی.

۲۱- مواشی: احشام و چارپایان.

۲۲- آیت الله فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ق): فرزند محمد جواد نمازی است که به شریعت اصفهانی هم شهرت داشت. در اصفهان از محضر استادان بزرگ کسب فیض کرد. چندی هم حوزه تدریس برپا کرد. آن گاه به نجف رفت و از حوزه تدریس میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی سودجست. وی در بیشتر علوم عقلی و نقلی از اغلب معاصرین خود ممتاز بود و در علوم قرآنی و حدیث و رجال سرآمد علمای عصر به شمار می آمد. آیت الله شیخ الشریعه از رهبران انقلاب عراق بود که با درگذشت آیت الله مجدد شیرازی مطرح شد و در مقابل استعمار انگلیس ایستاد، اما عمرش چندان نپایید و پس از یک سال در ۱۳۳۹ق در نجف رحلت نمود.

۲۳- درود و رحمت و برکات الهی بر تمامی برادران مسلمانی که از کیان اسلام دفاع می کنند. اما بعد، ما به تمامی شما یکتا پرستان به خاطر تکیه گاه مسلمانان، آیت الله العظمی میرزا [ای شیرازی] قدس الله نفسه المقدسه، تسلیت و تعزیت می گویم.

او بر سر پیمان خود ماند و بعد از آنکه حقیقتاً به وظیفه خود عمل کرد و در حد توان خویش بر آن پای فشرد، پروردگارش را ملاقات کرد. مبادا رحلت او سستی در عزم شما و ناتوانی در عمل شما ایجاد کند. بکوشید، بکوشید ای حمایت کنندگان دین و ای مسلمانان و بسیار با انگیزه و با نشاط باشید زیرا دفاع از آنچه که ما بر شما واجب کردیم، بسیار بلند مرتبه است و یکدیگر را به صبر دعوت کنید تا خداوند شما را در برابر کافران ثابت قدم بدارد و یاری تان کند.

نجف ۳ ذی حجه سال ۱۳۳۸هـ ق

شیخ الشریعه اصفهانی

۲۴- فیصل (۱۸۸۳-۱۹۳۳م): سومین پسر حسین ابن علی شریف مکه، پس از تحصیل در پارلمان عثمانی عضویت یافت. چندی بعد در ارتش عثمانی در سوریه خدمت کرد و سپس به عربستان گریخت. در ۱۹۲۰م کنگره ملی در سوریه او را به سلطنت برگزید، اما فرانسه که سوریه را تحت قیمومیت داشت، نپذیرفت و در همان سال برکنار شد. پس از تأسیس کشور عراق، داوطلب سلطنت برعراق شد و دولت بریتانیا نیز او را برای این مقام نامزد کرد و پادشاهی وی با رأی عمومی به تصویب رسید. در دوران سلطنتش، در امور حکومت نقش فعالی داشت و با بریتانیا همکاری می کرد. پس از او پسرش غازی اول به سلطنت رسید.

۲۵- آیت الله محمد مهدی کاظمی خالصی (۱۲۷۶ - ۱۳۴۳ق): مشهور به شیخ مهدی خالصی فرزند شیخ حسین از ناحیه خالص بغداد است. در کاظمین و نجف دروس ادبیات و فقه و اصول را آموخت. سپس به سامرا رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی حضور یافت. مدتی هم در کاظمین به تدریس پرداخت و کتابهایی تألیف کرد. در خلال جنگ جهانی اول در گروه مجاهدین درآمد و علیه استعمار به مبارزه برخاست. از این رو در ذی قعدة ۱۳۴۱ به همراه فرزندش محمد خالصی زاده و سید مهدی حیدری، به حجاز تبعید شد، در این زمان بسیاری از علما اقدام حکومت عراق را محکوم و از آیت الله خالصی حمایت کردند. وی پس از ادای فریضه حج، از راه فارس و اصفهان و قم به تهران آمد و چندی در آنجا اقامت گزید. چندی بعد عازم مشهد شد و در آن شهر به ترویج و تدریس علم پرداخت. او در ۱۲ رمضان ۱۳۴۳ درگذشت



## مظالم انگلیس در بین النهرین

و در اطاق صغه در رواق حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

۲۶- دسته‌ای به نام اخوان به برخی از قبایل عراق حمله بردند که در جریان آن تهاجم، وهابیهای ابن سعود نقش مؤثری داشتند. در ادامه این تهاجمها، تعدیاتی نیز علیه عشایر المنتفک در ابوغار، عشایر سماوه و ساکنین حوالی کربلا صورت گرفت. علمای شیعه رأساً دست به اقدام زدند و به منظور اعلام وحدت برای مقابله با تجاوزات وهابیه، کنگره کربلا را از ۱۱ تا ۱۳ آوریل ۱۹۲۲ ترتیب دادند. در این کنگره، که به همت علمای نجف و در رأس آنها سیدابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نائینی و شیخ مهدی خالصی و نماینده ملک فیصل، توفیق الخالدی حضور داشتند و با برگزاری آن کنگره و صدور بیانیه‌ای تحت عنوان «الميثاق القومي» مقرر شد در صورت ادامه تهاجمات وهابیه، اقدامات مؤثر و هماهنگی در مقابله با وهابیه به عمل آید. (ر.ک: الوردی، علی، همان، ج ۶، صص ۱۹۶۹-۱۹۷۲).

۲۷- وینستون چرچیل (۱۸۷۴ - ۱۹۶۵ م): فرزند لرد رندالف هنری اسپنسر که به ارتش پیوست و در هند و سودان و افریقای جنوبی جنگید. سپس به نمایندگی (محافظه کار) پارلمان رسید. در ۱۹۱۱ م به وزارت دربار اداری انتخاب شد و در آغاز جنگ جهانی اول دستور تجهیز ناوگان جنگی بریتانیا را صادر کرد. او در این زمان میدان دار عملیات جنگی داردانل بود که به علت شکست در آنجا از وی سلب اعتماد و کناره‌گذاشته شد. او در زمان انقلاب عراق (۱۹۱۸ - ۱۹۲۱ م) وزیر جنگ و هوایمبایی انگلیس بود. چرچیل بعدها در مه ۱۹۴۵ به مقام نخست‌وزیری انگلستان رسید. بیشتر وزیران کابینه او از محافظه کاران بودند.

۲۸- امضای مختلفی [ای] که در اینجا اشاره شده است به واسطه این است که اوراق مختلفی در این موضوع تقریباً به همین مضمون رسیده و هر یک مشتمل بر امضات زیادی است که در فوق ذکر شد و تمام آنها ضبط است.

۲۹- با فوت شیخ الشریعه اصفهانی در ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹، و برگزیده شدن آیت الله شیخ مهدی خالصی به مقام مرجعیت، سرپرسی کاکس از فرصت استفاده کرد و در صدد تشکیل یک دولت موقت از رجال عراقی برآمد. وی ابتدا برای ریاست هیئت وزیران به سیدطالب نقیب ابراز تمایل کرد اما به علت مخالفت مشاورانش، عبدالرحمن افندی را به این سمت برگزید و از او خواست که در هیئت وزیران، افرادی باشند که از صحنه‌های انقلاب و مبارزه دور بوده، با انقلابیون ارتباط نزدیکی نداشته باشند. عبدالرحمن افندی معروف به نقیب، ۷۸ ساله و از روحانیون سنی بود که در میان اهالی بغداد شهرتی داشت.

قبلاً میس بل پیشنهاد این سمت را به وی کرده بود ولی او نپذیرفته بود. او این بار پیشنهاد کاکس را پذیرفت.

۳۰- نقیب اشرف: رئیس دستگاه اطلاعاتی.

۳۱- مقاوله مخصوصه: پیمان نامه ویژه.

۳۲- تشرین: نام دو ماه رومی از ماههای پاییز است که یکی را تشرین اول و دومی را تشرین ثانی یا تشرین آخر می‌خوانند.

تشرین اول تقریباً با میزان/ مهر و اکتبر؛ و تشرین آخر با عقرب/ آبان و نوامبر مطابقت می‌کند.

۳۳- امیر فیصل در ۲۳ اگوست ۱۸/۱۹۲۱ ذی حجه ۱۳۳۸، مصادف با روز عید غدیر تاج گذاری کرد.

۳۴- حزب وطنی و حزب النهضة: نام دو حزب شیعی بود؛ حزب وطنی را پیروان شیخ مهدی خالصی، از جمله جعفر ابوالتمن و احمد شیخ داود و حزب النهضة را سیدمحمد صدر تشکیل داده بودند. بعدها پدر بزرگ نقیب سیدمحمد گیلانی نیز حزب حُر را تشکیل داد. هدف اصلی دو حزب شیعی، مخالفت با ادامه سلطه بریتانیا بر عراق و تحریم انتخابات مجلس مؤسسان بود ولی حزب حُر، نقش حامی دولت را داشت.

۳۵- آیت الله حاج سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ق): فرزند سیدمحمد، چند سالی در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. سپس به عراق رفت و از آیات عظام آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی کسب فیض نمود. وی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس از فوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضلالی متعدد قرار گرفت. با درگذشت آیات عظام حائری و نائینی، زعامت و مرجعیت جهان

## مجله مطالعات نابینا

تشیع به وی منتهی شد. آیت الله اصفهانی در دوران انقلاب عراق به مخالفت با استعمار انگلیس برخاست و معروف است که پیشنهاد مبلغ قابل توجهی را که سفیر انگلیس به وی داده بود، نپذیرفت و مبالغ بسیاری را جهت هزینه مسلمانان و شیعیان عراق که در جنگ آسیب دیده بودند، صرف کرد. در همین دوران به دلیل مخالفت با سیاست انگلستان در عراق، چند سالی را به حال تبعید گذراند.

۳۶- آیت الله میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۷۳-۱۳۵۵ ق): فرزند عبدالرحیم، در نائین تولد یافت. مقدمات علوم فقهی را در ایران به پایان برد و به نجف رهسپار شد و نزد آیات عظام آقا رضا همدانی، سیداستاد، میرزای بزرگ شیرازی و آخوند خراسانی به دانش اندوزی پرداخت. وی در اصول فقه، یکی از سرآمدان عصر به شمار می آمد و مرجعی بصیر و آگاه بود. در سال ۱۳۰۲ ش همراه با آیت الله اصفهانی، به دلیل مخالفت با حکام وقت در عراق، مجبور به تبعید شد و به ایران آمد. چندی بعد به حوزه خودش بازگشت و تدریس و اداره آنجا را به عهده گرفت. تنبیه الامه از آثار مشهور آیت الله نائینی است.

۳۷- حضرات علمای اعلام و حجج اسلام که خداوند در طول روزگار ما را از سایه آنان بهره مند گرداناد. آگاه شدیم که شما بر اساس وظیفه دینی و رهبری روحانی تان بر مردم، شرکت مردم در انتخابات و نیز هرگونه مساعدتی را در این باره حرام و مضر بر آنان اعلام کرده اید، یاری رسانده، آن را در حکم محارب با خدا و رسول خدا دانسته اید. از شما خاضعانه تقاضا می کنیم که آن عمل خیرخواهانه را آشکار کنید تا اوامر شرعی را که خداوند اطاعت از آن را واجب نموده، اطاعت کنیم.

۱۵ ربیع الاول سنه ۱۳۴۱  
الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی  
(مهر ابوالحسن موسوی)

۳۸- آری، اکنون حکم تحریم انتخابات از طرف ما صادر می شود. چنان که در همه بلاد بر همگان پوشیده نیست و هر کس در این انتخابات حاضر و وارد شود و یا در انجام آن کمک کند، مانند کسی است که با خدا و رسول و اولیاء خدا (که صلوات خدا بر همه آنان باد) جنگیده است.

۱۹ ربیع الاول سنه ۱۳۴۱  
الاحقر محمدحسین الغروی النائینی  
(محمد حسین)

۳۹- آری، حکم ما به تحریم انتخابات و حرام بودن ورود و دخالت در آن بر همه امت عراق است و هر کس در این امر وارد شود - حتی به کمترین حد - در انجام آن کمک کند، پس خدا و رسول خدا و ائمه معصومین (صلوات خدا بر همه آنان باد) را خشمگین کرده است. از تمامی آن اعمال بر خدا پناه می بریم.

۱۸۲۵/۱۳۴۱  
الراجی محمد مهدی الکاظمی عفه عنه  
(مهر محمد مهدی)

۴۰- آری از طرف ما حکم تحریم انتخابات بر عموم ملت عراق صادر می شود. پس هر کس در آن وارد شود و یا کمکی کند پس خدا و رسول او را خشمگین کرده است و همان طور که خداوند در کتاب (قرآن) مجید می فرماید: آیا کافران نمی دانند که «کسی که خدا و رسول خدا را خشمناک کند برای او آتش همیشگی جهنم و ذلت و خواری بزرگ است.» پناه بر خدا از تمامی آن اعمال.

۴۱- آری، به درستی انتخاب کنگره عراقی، بر اساس آنچه که از سوی علمای اعلام دامت برکاتهم صادر شده است شرعاً حرام است. پس هر کس بدان پردازد و یا آن را کمک کند محارب خدا و رسولش و ائمه طاهرین است.

پسر آیت الله میرزا محمد تقی عبدالحسین الشیرازی

## مظالم انگلیس در بین النهرین

(عبدالحسین بن محمدتقی)

- ۴۲- ترهات : یاوه گوییها.
- ۴۳- ضغط : فشار و تنگی معاش .
- ۴۴- چه قوه احتمالمیه ... : زیرا نیروی اشغالگر آنان با داشتن ابزارهای سیاسی و جنگی در برابر احساسات مردم تاب نیاوردند.
- ۴۵- داعی : انگیزه .
- ۴۶- ملوم : ملثوم ، مورد سرزنش .
- ۴۷- قنسول سامی : سرکنسول .
- ۴۸- وَلَقَدْ اَعْدَرَ مَنْ اَنْذَرَ : هشدار دهنده معذور است .
- ۴۹- آلات نادیه : ادوات جنگی ، وسایل آتشین .
- ۵۰- و خدا وعده پیروزی به آنها می دهد. «و پیروزی نیست مگر از ناحیه خداوند عزیز و دانا» (آل عمران ، آیه ۱۲۶).
- ۵۱- ژولیوس روتر : متولد ۱۸۱۶ میلادی است . وی یهودی بود و زندگی شغلی خود را از استخدام در بانکی در شهر روتنگن آلمان آغاز کرد و در همان اوان ، در فکر تأسیس یک خبرگزاری افتاد و بدان اقدام نمود . او تا ۱۸۵۱ م فعالیت خبرگزاری را در پاریس متمرکز کرد اما در همان سال ، به دلیل سخت گیری دولت فرانسه ، خبرگزاری را به لندن (انگلیس) انتقال داد و در آنجا مشغول فعالیت شد . مطبوعات انگلستان با اعتماد و اتکا ، به خبرگزاری روتر ، شکل ویژه ای به خود گرفت . روتر در ۱۸۵۷ م تابعیت انگلستان را پذیرفت و در ۱۸۷۱ م به لقب بارون ملقب گردید . در ۱۸۹۹ م در شهر نیس فرانسه درگذشت ولی خبرگزاری اش همچنان یکی از بزرگ ترین آژانسهای خبری جهان به شمار می رود .
- ۵۲- ادوار عابره : اوضاع و دگرگونیها و دوره های گذرا .
- ۵۳- کماندانی ضباط : تحت فرماندهی افسران .
- ۵۴- اهلیت تنبه : شایستگی آگاهی و وقوف
- ۵۵- در اصل : توسط .
- ۵۶- چه پرواضح است که مفاد مواد آن ... : زیرا پیداست که هدف مفاد بندهای قرارداد (ملک فیصل و دولت انگلیس) سلب اقتدار ، از بین بردن آزادیها ، خلع ید و باطل کردن حقوق حاکمیت ملت عراق بوده ، به جای آن ، چیزی جز بسط و گسترش سلطنت و اختیار مطلقه و حکومت بی قید و شرط انگلیس بر بین النهرین (عراق) نیست .
- ۵۷- آنقوره : آنکارا (Ankara) که در قدیم به نامهای آنکورا و آنگوریه نیز معروف بود ، پایتخت کشور ترکیه (عثمانی قدیم) است . آنکارا پیش از جنگ جهانی اول شهر کوچکی بود که در ۱۹۲۳ م پایتخت ترکیه شد .
- ۵۸- غازی : لغت عربی به معنی جنگ کننده با دشمن که در تعبیر اسلامی در معنی جنگ کننده با کفار است . در دوره اسلام عنوان غازی لقبی برای کسانی شد که در غزوات منشاء خدمات ممتاز بودند . بعدها جزء عناوین بعضی از امرا و فرمانروایان مسلمان ، مانند امرای آناتولی ، بویژه سلاطین عثمانی ، گردید . حضرت غازی ، عنوانی است که به مصطفی کمال پاشا نسبت می دادند .
- ۵۹- در اصل : احتمالی .
- ۶۰- سکان : جمع سکنه ، ساکنان .
- ۶۱- مؤتمر فجائع انگلیس : کمیته یا همایش بررسی جنایات انگلیس .
- ۶۲- نهب : غارت و از بین بردن .
- ۶۳- هتک اعراض : آبروریزی .
- ۶۴- غایت مأمول : نهایت آرزو .

## فصلنامه مطالعات نابینایی

۶۵- ملجأ و غوث : پناهگاه و فریادرس .

۶۶- اسف اشتمال : اسف انگیز ، اندوهبار .

۶۷- در گذشته حکم کردیم که شرکت در انتخابات حرام است و تاکنون نیز همچنان این حکم تغییر نکرده است .

۱۵/شوال/۱۳۴۱

الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی

۶۸- آری در گذشته ، شرکت در امر انتخابات و یاری کردن آن را به هر شیوه ممکن بر هر مسلمان مؤمن به خداوند و روز قیامت ، حرام کردیم و این حکم همچون گذشته باقی است و تغییری نکرده است .

۱۷/شوال/۱۳۴۱

الاحقر محمدحسین غروی نائینی

۶۹- آری آنچه را که حجج اسلام و آیات عظام در گذشته حکم کرده اند نافذ و به قوت خود باقی است بلکه رد آن ، رد خداوند و شرک به خدا خواهد بود .

الراجی محمد مهدی کاظمی خالصی

۷۰- شمند : وسیله نقلیه .

۷۱- لواء بین النهرین : عنوان روزنامه ای است که در تهران به صاحب امتیازی و مسئولی ع . شرافت ، تأسیس و نخستین شماره آن در ۱۲ صفحه بزرگ در پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲/۱۴ آذر ۱۳۰۲ منتشر شد . این روزنامه به دو زبان فارسی و عربی نوشته می شد که نخستین شماره آن درباره وجه تسمیه آمده بود : «علت آنکه اسم (لواء بین النهرین) را اختیار نمودیم برای این جریده ، آن بود که حزب وطنی عراقی بسیار جد و جهد کرد که امتیاز روزنامه به اسم (اللواء العراقي) از حکومت محتل در بغداد بگیرد و اصدار کند موفق به آمال خود نشدند چون که انگلیسیها که همواره دشمن آزادی و مدنیت بودند متفرق کردند . اعضاء آن حزب را در تاریخ اول محرم سال گذشته ۱۳۴۱ بعضی را به حبس ، بعضی را تبعید از آنجایی که در بغداد از این خدمت بزرگ به عالم اسلامیت محروم شدند . بعضی از اعضاء مؤسسه آن حزب در ایران اصدار کردند این جریده را و اختیار نمودند این اسم را برای او ؛ چون که این رسم متداول است در بین عرب و فارس و هر دو فرقه به حاق معنای او می رسند . در اغلب شماره های روزنامه لواء بین النهرین سخن رانیهای آیت الله خالصی چاپ و منتشر می شد که منظور از تأسیس آن ، همان ترویج و تبلیغ وی بود . از این روزنامه شش شماره منتشر شد که به جای شماره هفت آن ، روزنامه اتحاد اسلام به مدیریت شیخ حسین لنکرانی بیرون آمد .

۷۲- قبه : بارگاه ، گنبد ، به برخی اماکن متبرکه که از جمله نجف اشرف اطلاق می شده است .

۷۳- رزیه : مصیبت .

۷۴- آبرویان : هواپیما .

۷۵- دول متحابه : دولتهای دوست .

۷۶- مکتشفات الوجوه : با روی باز و بی حجاب .

۷۷- اعتاب : آستانها .

۷۸- مقدمه : سرمقاله .

۷۹- فاجعه عظیم النظیر ، کما هو حقّه : رویداد بی نظیر ، آن گونه که شایسته است .

۸۰- اتحاد اسلام : عنوان روزنامه ای است که به جای شماره هفتم روزنامه لواء بین النهرین در تهران چاپ و منتشر شد . مدیر و نویسنده آن شیخ حسین لنکرانی بود که نخستین شماره روزنامه اتحاد اسلام را روز شنبه ۲۶ شوال ۱۳۴۲/۱۱ خرداد ۱۳۰۳ منتشر کرد . در این شماره ، لنکرانی نوشته بود : «مجمعین مسجد سلطانی (مسجد شاه تهران) که در ۱۳۰۳ جمعی

## مظالم انگلیس در بین النهرین

به نام نجات بین النهرین از مظالم انگلیسیها، در آنجا مجتمع شده و از دولت وقت تقاضای کمک و همراهی کردند که برای استخلاص حرمین و بین النهرین جمع شده بودند، روزنامه لوای بین النهرین را تا شش شماره منتشر نمود. ولی چون روزنامه مذکور نتوانست از همه جهت مظهر افکار جمعیت باشد، لذا از طرف جمعیت تعطیل و چون نامه هایی دائر به انتشار روزنامه رسید که باید حتماً روزنامه منتشر شود، من برخلاف نظر سابق خود حاضر شدم که جریده اتحاد اسلام را طبع و نشر نمایم». روزنامه اتحاد اسلام نیز مانند روزنامه لواء بین النهرین تحت نظر خالصی و برای ترویج و اشاعه افکار وی بوده، می توان هر دو را در امتداد یکدیگر دانست. به نوشته محمد صدرهاشمی، از روزنامه اتحاد اسلام سیزده شماره بیشتر منتشر نشد که شماره آخر آن در ۱۲ ذی حجه ۱۳۴۲/۲۴ تیر ۱۳۰۳ انتشار یافت و روزنامه با تبعید شیخ لنکرانی به مشهد و کلات، تعطیل گردید. به طوری که در آخرین برگ چاپ چهارم از جزوه مظالم انگلیس در بین النهرین قید شده، روزنامه اتحاد اسلام پیش از آن، جزوه مزبور را به صورت ضمیمه در یکی از شماره های خود چاپ کرده، در اختیار خوانندگان قرار داد. این نوشته حاکی است: این کتاب پس از آنکه دو مرتبه در مطبعه مخصوصه به مجلس [شورای ملی] طبع شد، یک مرتبه دیگر هم از طرف ملت طبع و منتشر گردید. پس این مرتبه طبع چهارم و بلکه چون یک مرتبه هم به طور پاورقی روزنامه منتشر شد. این در حقیقت چاپ پنجم محسوب خواهد شد.

